

جای‌گاه زنان در متون نثر فارسی کهن کلیده و دمنه؛ سندبادنامه؛ جواهرالاسمار؛ طوطی‌نامه

دکتر زهرا ریاحی‌زمین*

دانش‌یار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

ناهد دهقانی

دانش‌جوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز

چکیده

اقوام گوناگون، بنا بر فرهنگ و تمدن قومی و نژادی، اساطیر، مذهب، و شرایط ویژه جغرافیایی، تاریخی، اجتماعی، اقتصادی، و سیاسی، دیدگاه‌هایی گوناگون نسبت به زن داشته‌اند و همین مسئله جای‌گاه اجتماعی و حقوقی زن را، در جوامع گوناگون و در طول تاریخ، دیگرگون کرده‌است. در فرهنگ و ادبیات هندوستان، زنان در نقش‌های الاهی، اسطوره‌یی، روحانی، جادوگر، دلاله، و مانند آن دیده‌می‌شوند و کتاب‌هایی چون *کلیده و دمنه*، *سندبادنامه*، *جواهرالاسمار*، و *طوطی‌نامه*—که خاستگاه هندی دارند—نگاهی زن‌ستیزانه را به نمایش می‌گذارند.

در این پژوهش، که به روش کتابخانه‌یی و به شیوه‌یی تحلیلی صورت گرفته‌است، پس از بررسی کتاب‌های یادشده و تطبیق موارد مربوط به زنان با اساطیر و باورهای مذهبی و تاریخی هندی‌ها، این نتیجه به دست آمد که بسیاری از این نگرش‌ها، که به فرهنگ و ادبیات هند راه پیدا کرده، دست‌آورد نگاه مردسالارانه، مسائل اقتصادی، باورهای اسطوره‌یی، آموزه‌های مذهبی کهن هندیان، و نیز دست‌کاری مترجمان است؛ بر این اساس، کم‌تر می‌توان علل و عوامل این نوع نگرش را در ناهنجاری‌های رفتاری زنان هندی یا عوامل اجتماعی جست‌وجو کرد.

واژگان کلیدی

زن؛ *سندبادنامه*؛ *کلیده و دمنه*؛ *جواهرالاسمار*؛ *طوطی‌نامه*؛

پرستش الاهی-مادر، تقریباً در همه‌ی مذاهب کهن، یکی از ریشه‌دارترین باورهای مذهبی زندگی انسان بوده و در نخستین گام‌های تمدن، یعنی دوران کهن‌سنگی، گسترش یافته‌است. انسان آن زمان الاهی-مادر را نشانه‌ی باروری، فراوانی، و کمال زیبایی و توانایی می‌دانست و آن را، هم‌چون نیرویی پایان‌نیافتنی، که سرچشمه در آسمان‌ها دارد، می‌پرستید (لاهیجی و کار ۱۳۷۷)؛ از این رو، در ایران، مصر، بین‌النهرین، یونان، هندوستان، و چین، خدایان و نیمه‌خدایان به صورت زن نشان داده‌می‌شدند (انصاف‌پور ۱۳۴۶).

آغاز و پایان دوران برتری ایزدبانوان در جوامع گذشته روشن نیست، اما رد پای آن‌ها در دوران آغاز کشاورزی دیده‌می‌شود و پایان برتری مطلق آن‌ها را نیز می‌توان در جریان کوچ اقوام شبان و یورش فرهنگ شبانی به جوامع ساکن و کشاورز جست‌وجو کرد؛ دوره‌یی که پرستش الاهی-مادر، در برابر خدایان نرینه، کنار گذاشته‌شد، اما جای‌گاه همسری و مادری برای آن‌ها باقی ماند (لاهیجی و کار ۱۳۷۷).

با برتری‌هایی که زن در مسائل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، و خانوادگی به دست آورد، دوره‌یی در زندگی انسان آغاز شد که به عصر زن‌سالاری شناخته‌می‌شود (دفتر پژوهش‌های فرهنگی ۱۳۶۹). در دوران زن‌سالاری، حق فرمان‌روایی، داور، اداره‌ی امور خانواده و اجتماع، و هرچه که زندگی گروهی انسان به آن وابسته بود در دست زن قرار گرفت (انصاف‌پور ۱۳۴۶). در این دوره، زن به اداره‌ی امور قبیله می‌پرداخت و به جای‌گاه روحانیت می‌رسید؛ افزون بر آن که چون، به خالص‌ترین شکل، ناقل خون قبیله بود، زنجیر پیوستگی خانواده نیز به شمار می‌آمد (گیرشمن^۱ ۱۳۷۴).

پیش‌رفت صنعت، کشاورزی، و دام‌پروری باعث شد که مرد، کم‌کم، چیرگی خود را بر زن گسترش دهد و برتری اقتصادی را از دست او بیرون آورد. مرد جانورانی را که زن اهلی کرده‌بود برای کشاورزی به کار گرفت و از گاوآهن، که نیروی عضلانی بیش‌تری نیاز داشت، برای شخم زدن استفاده کرد؛ بدین ترتیب، انتقال سرپرستی کشاورزی، از زن به مرد، آسان شد. با زیاد شدن ثروت قابل‌انتقال انسان، برای این که وارثان ثروت مرد فرزندان حقیقی او باشند، مسئله‌ی وفاداری زن به مرد اهمیتی بسیار پیدا کرد (دورانت^۲ بی‌تا).

پس از آن که دوران زن‌سالاری جای خود را به دوران مردسالاری داد، احترام، جای‌گاه، و نفوذ زن در جامعه نگاه داشته‌شد و زن، همانند گذشته، در جای‌گاه خدایی ماند؛ چون آن که در زمان باستان، *آناهیتا* در ایران، *آتنا*^۳ در یونان، و *آماتراسو*^۴ در ژاپن مورد پرستش قرار می‌گرفتند (انصاف‌پور ۱۳۴۶).

¹ Ghirshman, Roman

² Durant, William James

³ Athena or Athene (Αθηνά Athēnā)

⁴ Amaterasu (天照) or Amaterasu-ōmikami (天照大神 / 天照大御神)

با گسترده‌تر شدن زمینه‌ی فعالیت‌های اجتماعی مردان و وابستگی اقتصادی زنان به آنان، نگاه مثبت و سرشار از احترام به زن، در جوامع مردسالار، کم‌کم، رنگ باخت و زنان، به‌آهستگی، از صحنه‌ی اجتماع بیرون رفتند. این دگرگونی جای‌گاه زنان و نگاه جامعه به آنان، از سویی ریشه در واقعیت‌های اقتصادی و اجتماعی گفته‌شده دارد، و از سوی دیگر، برآمده از باورهای کهن اساطیری و مذهبی است (در برخی جوامع بسیار سنتی، از جمله هندوستان، که زندگی فردی و اجتماعی مردم آمیخته با اسطوره‌ها و تحت تأثیر آموزه‌های مذهبی است). شایگان در باره‌ی آمیختگی تاریخ، اسطوره، و مذهب در هندوستان می‌گوید:

تاریخ در نزد هندوان جنبه‌ی اساطیری دارد. بایستی پیوسته به ذهن سپرد که انسان دوران ودایی، بین این عالم و عالم بالا، نه شکاف مطلق می‌بیند و نه حد فاصل قاطعی بین آن دو قائل می‌شود. این جهان آینه‌ی جهان بالا است و آنچه در عالم بالا به وقوع می‌پیوندد، مانند حماسه‌ی خدایان و قهرمانان و کشمکش موجودات اساطیری، حوادثی نیست که در گذشته‌ی تاریخی به حصول پیوسته و در تذکره‌های عصر منعکس شده‌باشد، بل که حوادثی است به‌غایت واقعی، که خطامشی آدمیان را تعیین می‌کند و در تهذیب اخلاقی و پیش‌رفت معنوی آن‌ها نقش به‌سزایی دارد. [۰۰۰]

[به عبارت دیگر،] چون میت^۱ [(اسطوره)] مبین آیین نیایش و نحوه‌ی ظهور نیروهای آسمانی موجودات خارق‌العاده است، خود به صورت نمونه و خطامشی و الگویی درآمده که آدمیان باید بدان اقتدا کنند و کردار و رفتار خود را با آن تطبیق دهند. (شایگان ۲۵۳۶، ج ۱: ۴۲)

تصویر زنان در ادبیات هندوستان، با تأثیرپذیری از اسطوره و مذهب، موقعیت‌های متفاوت و گاه متضاد آن‌ها را در جامعه نشان می‌دهد. در افسانه‌ها و اسطوره‌های هندی، زنان در نقش الاهی، زن روحانی، زن اشراف‌زاده، و مانند آن نمایان می‌شوند؛ برای نمونه، شاکتی^۲ نماد مادر کائنات و دارای قدرت مطلق است و در سرزمین هند به نام‌های دوی^۳، دورگا یا دورجا^۴، و کالی^۵ نامیده‌شده‌است (حکمت ۱۳۳۷)، که دوی الاهی بزرگ و مادر خدایان است (شایگان ۲۵۳۶) و دورگا و کالی، در اساطیر هندی، الاهی‌مادر و شایسته‌ی ستایش اند. لکشمی^۶ الاهی شادی و عهده‌دار خوش‌بختی خانواده است و سرسوتی^۷

¹ Myth

² Shakti (शक्ति śakti)

³ Devi (देवी devī)

⁴ Durga (दुर्गा durgā)

⁵ Kali (काली kālī)

⁶ Lakshmi (लक्ष्मी lakṣmī)

⁷ Saraswati (सरस्वती sarasvatī)

الاهی‌بی است که یادگیری را در خانواده رهبری می‌کند. سیتا^۱، همسر رام^۲، نیز، از کهن‌ترین دوران تمدن هندوی، الگوی کامل و نشان‌دهنده‌ی والاترین آرمان عشق، فداکاری، و وفاداری زنانه است و به خاطر دل‌آوری در رویارویی با مشکلات و خوش‌قلبی، سرمشقی برای زنان هندو به شمار می‌آید (کیس‌ویت^۳ ۱۳۸۱؛ یافا^۴ ۱۳۸۲). در بسیاری از متون مذهبی هند نیز زنان بسیار مقدس و شایسته‌ی احترام اند. در *ودا*^۵ و *اوپانیساده‌ها*^۶، کتاب‌های مقدس هندوان، زن گاهی خدا و گاهی مایا^۷، همسر خدا، خوانده‌شده‌است (انصاف‌پور ۱۳۴۶) و در *ریگ‌ودا*^۸ نیز زن اجراکننده‌ی دستورهای دینی و آموزش‌دهنده و نگاه‌بان اصول مقدس است (رازانی ۱۳۵۰)؛ هرچند که گاهی در کنار این چهره‌ی مثبت، تصویری منفی نیز از این شخصیت‌های مذهبی و اساطیری، در متون هندوان، دیده‌می‌شود. دوی، مادر خدایان و نماد شب بی‌پایان (سیاهی مطلق)، از جمله‌ی این چهره‌ها است (شایگان ۲۵۲۶):

[دوی] خدای قهر و غضب نیز است؛ به این واسطه، عبادت او توأم با تقدیم قربانی‌های حیوانی و احیاناً انسانی می‌شود و باید در معبد او خون همیشه جاری باشد تا قهر و غضب او را تسکین دهد. گویند عطش خون‌خواری و قهاری او به صورت بلایای عام درآمد، تمام خلق را مبتلا خواهد ساخت. (حکمت ۱۳۳۷:۱۸۵)

[کالی را] با چهره‌ی سیاه، دهانی قرمز از خون، انیابی تیز، و حمایلی از مجسمه‌های بشری، به‌پیکر خود آویخته، [که] بر روی شوی خود (شیوا^۹) به رقصی دیوانه‌وش مشغول است، نشان می‌دهند و به زعم ایشان، منشأ تمام امراض عمومی و بلایا و محن خلاق او است و قتل عام و کشتارها و مرگ‌های دسته‌جمعی آدمیان از قبل او است. برای تسکین عطش او هر گونه قربانی می‌توان کرد. (هم‌آن: ۱۸۵)

این تصویر هول‌ناک از کالی مؤنث، به‌ویژه دهان پر از خون او، یادآور نکته‌یی شایان‌توجه در مورد آگنی^{۱۰} مذکر است، که در اساطیر هندی به عنوان خدای قربانی شناخته‌شده‌است. آگنی دارای دهانی مقدس و گیتی‌افروز است، که محراب مقدس آتش به شمار می‌آید و همه‌ی هدایا و نذرهای قربانی درون آن ریخته‌می‌شود (شایگان ۲۵۳۶). کالی

¹ Sita (Seeta or Seetha) (सीता sitā)

² Rama (राम rāma)

³ Casewit, Fatima (Jane)

⁴ Jafā, Manorama

⁵ Vedas (वेद védā)

⁶ Upanishads (उपनिषद् upaniṣad)

⁷ Maya (माया māyā)

⁸ Rīgveda (ऋग्वेद rgveda)

⁹ Shiva (शिव śiva)

¹⁰ Agni (अग्नि agni)

حتا نام چهارمین و آخرین دوره از دوره‌های جهانی آیین هندو است، که به «عصر تاریکی» شهرت دارد و عصر سیاهی، پلیدی، و نبود معنویت است (هم‌آن).

دگرگونی نقش زنان در هندوستان مانند یک منحنی متناوب است. در دوران آیین ودا و مذهب ودایی، اگرچه داشتن فرزند نیرومند پسر را غایت خوش‌بختی می‌دانستند (حکمت ۱۳۳۷)، زنان از آزادی، احترام، و رفت‌وآمد در جامعه برخوردار بودند، «در اجرای عمل قربانی‌های خانوادگی، با شوهران خود، شرکت داشته و در روشن نمودن آتش مقدس توجه و مراقبت می‌نمودند» (دو لا فوز^۱ ۱۳۱۶:۹)، در تصمیم‌گیری کشور دخالت می‌کردند، و حق انتخاب همسر داشتند. در دوران شریعت مانوی، که از سده‌های نخست میلادی آغاز شد، جای‌گاه زنان، در چهارچوب قوانین مذهبی، رو به فرودستی گذاشت و پس از آن که بودیسم در به‌بود جای‌گاه اجتماعی و فرهنگی آنان پیروزی چندانی به دست نی‌آورد، در دوران چیرگی مغول‌ها بر هند، همه‌ی امور اجتماعی به مردان سپرده‌شد و زنان در انجام این امور نقشی کم‌تر به عهده گرفتند (پلنگی ۱۳۷۶:۱)؛ بدین ترتیب، یکی از دلایل نگاه منفی جامعه‌ی مردسالار هند به زن آموزه‌های مذهبی ادیان گوناگون اساطیری در هند بوده‌است؛ آموزه‌هایی که در دعاها، مراسم آیینی، و تشریفات مذهبی آن داشتن پسران زیاد را از خدایان می‌خواهند و زن را تنها برای به دنیا آوردن فرزندان پسر گرامی می‌دارند (حکمت ۱۳۳۷).

فرهنگ مردسالار روزگاران باستان، در بسیاری از جوامع، مانند جامعه‌ی هند، حتا بر زبان نیز تأثیر گذاشته و این امر، با بررسی ریشه‌شناختی واژه‌های «زن»، «مرد»، «پدر»، «شوهر»، و «زوجه»، در مقاله‌ی «بازتاب فرهنگ مردسالاری در زبان‌های هند و اوروپایی»، به‌خوبی نشان داده‌شده‌است. در مقاله‌ی یادشده، واژه‌ی «مرد»، در زبان سانس‌کریت، از ریشه‌ی nar, nara, vira، به معنای نیرومند، و واژه‌ی «زن»، از ریشه‌ی jani, nari (از nar-)، به معنای زایا و وابسته به مرد است (رضایی باغی‌بیدی ۱۳۷۶). بررسی ریشه‌ی این واژه‌ها در دیگر زبان‌های خانواده‌ی هند و اوروپایی نیز این نتیجه را به دست می‌دهد که «اقوام هند و اوروپایی مرد را مظهر نوع بشر، نیرومندی، و اندیشه‌مندی می‌دانستند؛ در حالی که زن، نزد آنان، متکی به مرد شمرده‌می‌شد و وظایف اصلی‌اش زادن و شیر دادن بود» (هم‌آن: ۹۳). بر پایه‌ی هم‌این بررسی، واژه‌ی «پدر» در زبان‌های هند و اوروپایی، از جمله سانس‌کریت، در معنای نگاه‌دارنده، خوراک‌دهنده، و روزی‌رسان، و واژه‌ی «شوهر» به معنای سرور و ارباب به کار رفته‌است (هم‌آن).

این نوع برداشت و نگاه سنتی به مرد و زن، افزون بر تأثیرپذیری بسیار از اسطوره‌ها، افسانه‌ها، و آموزه‌های مذهبی، با مسائل اقتصادی نیز پیوند دارد. در هندوستان، زنان، از نظر اقتصادی، موجب زیان خانواده اند. دکتر میرا شیوا^۱، عضو انجمن خیریه‌ی به‌داشت هند^۲ در دهلی نو، در مورد علت نگرش سنتی هندیان به زنان می‌گوید هندیان «دختر را هزینه‌ی اضافی می‌دانند، به‌ویژه به دلیل مخارج جهیزیه، که خانواده‌ها باید هنگام شوهر دادن تقبل کنند» (راماچندران^۳ ۱۳۷۸: ۲۹). همین امر باعث شده که در خانواده‌های کنونی هند، از راه‌های غیرقانونی و استفاده از آزمایش‌های تعیین جنسیت پیش از زایمان، تلاش‌هایی گسترده برای از میان بردن جنین دختر صورت گیرد (هم‌آن).

گفتنی است که بر پایه‌ی قوانین کهن مذهبی هندوان، «مانو»، ازدواج دختران از سن بسیار کم رواداشته است. «پیشنهاد زواج معمولاً از طرف اولیای دختر به عمل می‌آید و پدر داماد، با کمال تکبر، برای پسر خود در عقب یافتن همسر نمی‌رود و همیشه پدر دختر باید به دنبال داماد برود» (حکمت ۱۳۳۷: ۲۸۳). در این نوع ازدواج، خانواده‌ی عروس باید پول نقدی به نام «دور»^۴ را، درخور وضعیت اجتماعی، اقتصادی، و تحصیلی داماد، به خانواده‌ی او بپردازند (سعیدی مدنی ۱۳۷۸). از زمان ازدواج، زن آزادی، استقلال، و حق مالکیت شخصی خود را از دست می‌دهد و مرد می‌تواند با او، به عنوان ملک و دارایی خویش، هر گونه خواست رفتار کند (حکمت ۱۳۳۷: پلنگی ۱۳۸۰). شاید همین وابستگی شدید اقتصادی زنان هندی به مردان و احساس مالکیت مردان بر آنان، از علل عمده‌ی آیین ستی^۵ در میان هندوان باشد. بر پایه‌ی این آیین، زنان بیوه را، حتا اگر جوان هم بودند، به صورت زنده، با همسران مرده‌ی خود می‌سوزانند (حکمت ۱۳۳۷).

در جامعه‌ی کنونی هند نیز بسیاری از این اندیشه‌ها را می‌توان دید. «سرسپردگی به شوهر در تمام مذاهب، به‌ویژه در هندویسم» (خانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۱: ۳۵)، برتر دانستن فرزند پسر نسبت به دختر (حکمت ۱۳۳۷: خانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران ۱۳۸۱)، به‌ویژه در جهت پای‌داری دودمان، نگاه داشتن ثروت، امنیت، و رفاه (حکمت ۱۳۷۷: ایونس^۶ ۱۳۷۳)، و حتا انجام دعاها، مراسم مرگ، و نجات و رهایی روح از دوزخ (حکمت ۱۳۷۷)، از جمله‌ی این اندیشه‌ها به شمار می‌آید:

در مورد کشور هندوستان، مظلومیت تاریخی زنان هندی، حتا پس از اسقلال این کشور نیز برطرف نشده‌است و به علاوه، طرز تفکر و دید بسیاری از مردان هندی

¹ Shiva, Mira

² People's Health Movement (PHM)

³ Ramachandran, R.

⁴ Dower

⁵ Sati (सती sati)

⁶ Ions, Veronica

نسبت به زنان نیز در مظلومیت و اعمال تبعیض بر آنها بی‌تأثیر نبوده‌است.
(موسوی و رهوری ۱۳۸۳: ۱۹۰)

نگاه متضاد و منفی سنتی به زن، در کتاب‌های ادبی. دارای خاستگاه هندی، از جمله **کلیله و دمنه** (منشی ۱۳۸۱)، **سندبادنامه** (ظهیری سمرقندی ۱۹۴۸)، **جواهرالاسمار** (نثری ۱۳۵۲)، و **طوطی‌نامه** (داراشکوه ۱۹۶۷) نیز دیده‌می‌شود. در این گونه متون، زن به عنوان موجودی زیبا، هنرمند، فرمان‌بردار، مهربان، خردمند، و در عین حال، شیطان‌وش، دروغ‌گو، فریب‌کار، بی‌وفا، و مانند آن معرفی می‌شود. چون این نگاهی به شخصیت زن، هم‌آن گونه که بررسی شد—بی هیچ نشانی از واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی—ریشه در باورهای کهن دارد و دنیای کنونی نیز از آن بی‌بهره نمانده‌است.

بحث و بررسی

در کتاب‌های بررسی‌شده، به‌جز **کلیله و دمنه**، شیوه‌ی داستان‌پردازی به گونه‌ی است که ویژگی‌های منفی نسبت‌داده‌شده به زن بسیار برجسته‌تر نمایان می‌شود و بسآمد بالای این ویژگی‌ها، در کنار داستان‌پردازی هدف‌دار، اوج بدبینی نسبت به زن را در این متون، و البته در فرهنگ هند، نشان می‌دهد. در مقدمه‌ی **جواهرالاسمار**، این کتاب و **طوطی‌نامه**، که ریشه‌ی سانس‌کریت دارند، در شمار **سوکه‌سپتاتی**^۱ معرفی شده‌اند. این موضوع در مورد دیگر کتاب‌های داستانی هندی، به‌ویژه **سندبادنامه**، نیز وجود دارد.

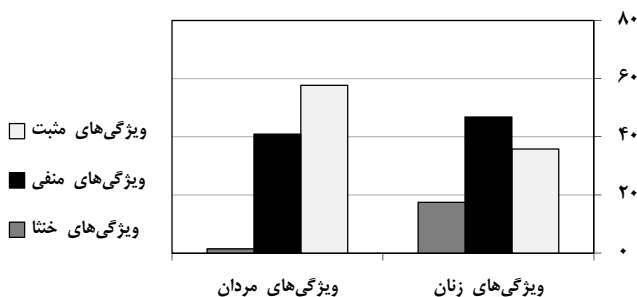
سوکه‌سپتاتی را می‌توان مجموعه‌ی از داستان‌های مربوط به زنان زیرک و فریب‌کار توصیف کرد، که یکی از موضوعات متداول داستان‌های عامیانه است. (نثری ۱۳۵۲: بیست‌وسه—بیست‌وچهار).

کلیله و دمنه

بر پایه‌ی گفته‌های معروف، **کلیله و دمنه** را برزویه‌ی طیب، برای نخستین بار، از زبان سانس‌کریت به زبان پهلوی، و پس از او، ابن‌مقفع، در سده‌ی دوم، از زبان پهلوی به زبان عربی برگرداند. پس از برگردان و بازنویسی‌های فراوان، **ابوالمعالی نصرالله منشی**، میان سال‌های ۵۳۸ تا ۵۴۰ق، آن را به نثر آراسته و مزین فارسی نوشت و نگاه به زن را در آن نرم‌تر کرد. در **کلیله و دمنه**، ۱۰۹ ویژگی به زن نسبت داده‌شده‌است، که ۴۶/۷۹ درصد آن را ویژگی‌های منفی، ۳۵/۷۸ درصد را ویژگی‌های مثبت، و ۱۷/۴۳ درصد را ویژگی‌های

^۱ *Shuka Saptati* (Śukasaptati, Seventy tales of the parrot)

خنثا^۱ تشکیل می‌دهد. از میان ویژگی‌های منفی، به‌ترتیب، فریب‌کاری، بی‌وفایی، هزگی، و دروغ‌گویی، و از میان ویژگی‌های مثبت، به‌ترتیب، خردمندی، دوراندیشی، مهر مادری، و دین‌داری بالاترین بسآمد را دارد.^۲ در این کتاب، ۳۵۲ ویژگی نیز به مردان نسبت داده شده‌است، که ۵۷/۶۷ درصد آن را ویژگی‌های مثبت، ۴۰/۹۱ درصد را ویژگی‌های منفی، و ۱/۴۲ درصد را ویژگی‌های خنثا تشکیل می‌دهد. از میان ویژگی‌های مثبت، به‌ترتیب، خردمندی، دین‌داری، شهامت، و وفاداری، و از میان ویژگی‌های منفی، فریب‌کاری، نادانی، دروغ‌گویی، و بی‌وفایی برجسته‌تر است (نمودار ۱).



نمودار ۱- پراکنش ویژگی‌های مردان و زنان در کلیله و دمنه

هدف اصلی نوشتن، برگردان، و بازنویسی این کتاب آموزش حکمت بوده‌است؛ از این رو، نگرش منفی نسبت به زنان، که در فرهنگ هند وجود داشته، در جای‌جای این کتاب مورد تأکید قرار گرفته‌است؛ هرچند که زن‌ستیزی و بسآمد ویژگی‌های منفی زنان این کتاب، نسبت به کتاب‌های دیگر، کم‌تر است. داستان‌های کتاب‌های دیگر به برجسته‌سازی ویژگی‌های منفی زن می‌پردازند و بیشتر حکایت‌های فرعی آن‌ها نیز مربوط به زنان است، اما شیوه‌ی داستان‌سرایی در سراسر بخش‌های **کلیله و دمنه**، تقریباً، یک‌سان است و تنها بخشی از داستان‌های آن به زنان مربوط می‌شود. در برخی از بخش‌های این کتاب، از جمله در برگ‌های ۹۵، ۱۲۰، ۲۴۸، و ۳۰۲، دست‌کاری مترجمان و بدبینی آن‌ها نسبت به زن آشکار است، اما شاید بتوان همین برگردان‌های پیاپی، در دوره‌های گوناگون، را عامل نگاه نرم‌تر این کتاب به زن دانست. حیدری (۱۳۸۴-۱۳۸۵)، در مقاله‌ی «سیمای زن در کلیله و دمنه‌ی نصرالله منشی»، با تطبیق **کلیله و دمنه‌ی منشی** با نسخه‌ی عربی *ابن‌مقفع*،

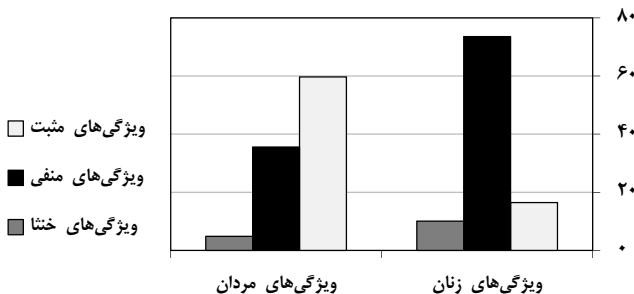
^۱ منظور از ویژگی‌های خنثا ویژگی‌هایی غیراکتسابی است که طبیعت یا محیط آن‌ها را به انسان می‌دهد و زمینه‌ساز بسیاری از رفتارهایی می‌شود که ممکن است از انسان سر بزنند.

^۲ بررسی و تحلیل آماری این ویژگی‌ها در دست انجام است و در نوشتاری دیگر آورده می‌شود.

داستان‌های بیدپای، و برگردان فارسی پنج‌کاینه، دید مردسالارانه‌ی نصرالله منشی را به زن، در برخی از داستان‌های این کتاب، نشان داده‌است.

سندبادنامه

به گفته‌ی ابن‌ندیم، در الفهرست، سندبادنامه از جمله داستان‌های کهن هندی است که از زبان هندی به زبان پهلوی و سپس تا پیش از سده‌ی چهارم به زبان عربی برگردانده شده‌است (ابن‌ندیم بی‌تا). شناخته‌شده‌ترین بازنویسی این کتاب، به وسیله‌ی ظهیری سمرقندی، در سال‌های نخست سده‌ی هفتم، و به نثر مصنوع فارسی صورت گرفته‌است. در سندبادنامه ۲۱۹ ویژگی به زنان نسبت داده شده‌است، که ۷۳/۵۲ درصد آن‌ها را ویژگی‌های منفی، ۱۶/۴۴ درصد را ویژگی‌های مثبت، و ۱۰/۰۵ درصد را ویژگی‌های خنثا تشکیل می‌دهد (نمودار ۲). از میان ویژگی‌های منفی، به ترتیب، فریب‌کاری، بی‌وفایی، دروغ‌گویی، و هرزگی، و از میان ویژگی‌های مثبت، به ترتیب، شهامت، پاک‌دامنی، خردمندی، و مهربانی بالاترین بسآمد را دارد. در این کتاب، ۲۲۸ ویژگی نیز به مردان نسبت داده شده‌است، که ۵۹/۶۵ درصد آن را ویژگی‌های مثبت، ۳۵/۵۳ درصد را ویژگی‌های منفی، و ۴/۸۲ درصد را ویژگی‌های خنثا تشکیل می‌دهد (نمودار ۲). از میان ویژگی‌های مثبت، به ترتیب، خردمندی، شهامت، دین‌داری، و روانی کلام، و از میان ویژگی‌های منفی، به ترتیب، نادانی، هرزگی، و بازی‌چه بودن، بالاترین بسآمد را دارد. بالا بودن بسآمد ویژگی‌های منفی نسبت‌داده شده به زنان و گونه‌گونی آن‌ها، نسبت به ویژگی‌های نسبت‌داده شده به مردان، نشان‌دهنده‌ی نوع نگاه فرهنگ هندی به جایگاه زن است.

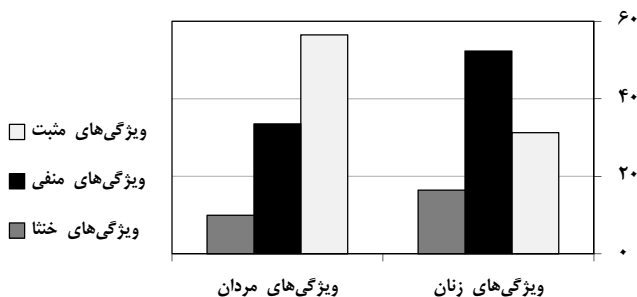


نمودار ۲- پراکنش ویژگی‌های مردان و زنان در سندبادنامه

سندبادنامه یک داستان اصلی دارد و در کنار آن، داستان‌های فرعی بسیاری از زبان شخصیت‌های گوناگون کتاب بازگو می‌شود. محور بیش‌تر این داستان‌ها هرزگی، فریب‌کاری، نادانی، بی‌وفایی، و دروغ‌گویی زنان است؛ افزون بر آن که ویژگی‌های بسیاری را نیز می‌توان یافت که به وسیله‌ی راویان پرشمار، به‌ویژه وزیران هفت‌گانه، با استناد به احادیث، روایات، و سخنان بزرگان، که درستی بسیاری از آن‌ها مورد تردید است، به زنان نسبت داده شده‌است. بی‌شک، چون این مطالبی در اصل هندی کتاب وجود نداشته‌است و بعدها مترجمان یا کسانی که کتاب را بازنویسی کرده‌اند آن‌ها را به کتاب افزوده‌اند.

جواهرالاسمار

کتاب **جواهرالاسمار** اصلی هندی دارد و فردی به نام عمادبن محمد الثغری، در سال‌های ۷۱۳ تا ۷۱۵ق، آن را به نثر مزین و مصنوع فارسی بازنویسی کرده‌است. در این کتاب، ۴۳۲ ویژگی به زنان نسبت داده شده‌است، که ۵۲/۳۱ درصد آن را ویژگی‌های منفی، ۳۱/۲۵ درصد را ویژگی‌های مثبت، و ۱۶/۴۴ درصد را ویژگی‌های خنثا تشکیل می‌دهد (نمودار ۳). از میان ویژگی‌های منفی، به‌ترتیب، بی‌وفایی، فریب‌کاری، و هرزگی، و از میان ویژگی‌های مثبت، به‌ترتیب، خردمندی، وفاداری، دین‌داری، و روانی کلام دارای بالاترین بسآمد است. در این کتاب، ۱۱۶۳ ویژگی نیز به مردان نسبت داده شده‌است، که ۵۶/۴۹ درصد آن را ویژگی‌های مثبت، ۳۳/۵۳ درصد را ویژگی‌های منفی، و ۹/۹۷ درصد را ویژگی‌های خنثا تشکیل می‌دهد (نمودار ۳). از میان ویژگی‌های مثبت، به‌ترتیب، خردمندی، دین‌داری، و وفاداری، و از میان ویژگی‌های منفی، فریب‌کاری، نادانی، و هرزگی دارای بالاترین بسآمد است.



نمودار ۳- پراکنش ویژگی‌های مردان و زنان در **جواهرالاسمار**

داستان اصلی *جواهرالاسمار*، در باره‌ی بازرگان‌زاده‌ی جوان و ثروت‌مند است که همسر خود را به دست پزندگان محبوب‌اش می‌سپارد و به سفر می‌رود. شخصیت‌پردازی سست و ناپای‌دار، نسبت دادن ویژگی‌های متناقض بسیار به یک شخصیت، و استناد به احادیث، روایات، و ضرب‌المثل‌ها، با هدف باورپذیر کردن بدبینی‌ها نسبت به زن (مانند *سندبادنامه*)، از ویژگی‌های مهم داستان‌های این کتاب به شمار می‌آید. شیوه‌ی داستان‌پردازی بدبینانه و نگرش منفی نویسنده نسبت به زن، کم‌ارزش بودن عنصر زن را در نگاه نویسنده نشان می‌دهد؛ برای نمونه، در داستان اصلی، هنگامی که *صاعد* قصد خریدن طوطی و شارک (طوطی ماده) را دارد، آمده‌است:

تا روزی، طوطی‌یی به قیمت هزار دینار در بازار بود و به شرط سخن‌دانشی و قرآن‌خوانی می‌فروختند [۰۰۰] شارکی ماده نیز در آن دم به بازار بود. به جهت موآست و صحبت، طوطی به چند درم بخريد و هر دو مرغ گویا در قفس کرده، به وثاق برد و کدبانو را به نیکوداشت و پرورش. طوطی امر کرد [۰۰۰] طوطی از الفاظ وعظ و امثال نصایح هیچ فروگذاشت نکردی و در نمودار مصالح کلی و جزوی و امور درونی و بیرونی تقصیر و اهمال روا نداشتی و چهره‌ی مطالب و جمال امانی مخدوم را در آینه‌ی فکرت خود باز نمودی و شارک نیز—اگرچه آن منزلت و مکان نداشت—تماماً به دم‌زنی و متابعت طوطی نکته‌یی در میان آوردی و کلمه‌یی بگفتی. (نثری ۱۳۵۲: ۲۹ و ۳۱)

طوطی‌نامه

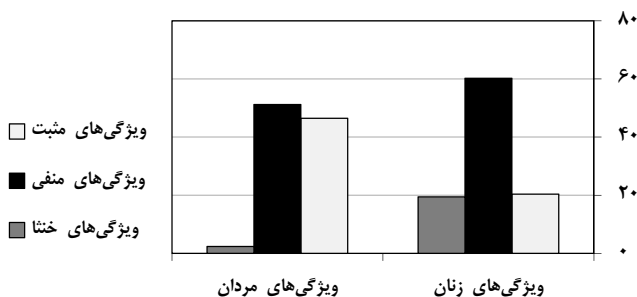
طوطی‌نامه، نخست، در ۷۰ افسانه، از اصل سانس‌کریت به فارسی مصنوع متکلف برگردانده‌شد، سپس *ضیاء نخشبی*، در سال ۷۳۰ق، آن را در ۵۲ داستان و به نثر آراسته و مهذب فارسی بازنویسی کرد، و در آخر نیز، محمد *داراشکوه*، متخلص به *قادری*، در سده‌ی ۱۱ق، تهذیب *نخشبی* را به صورت ۳۵ داستان خلاصه و تهذیب کرد. داستان اصلی این کتاب، همانند *جواهرالاسمار* است؛ با این تفاوت که پایان آن روشن است، روند داستان شتاب‌زده‌تر است، و جز داستان‌های مشترک، داستانی دیگر ندارد.

در این کتاب، ۱۰۳ ویژگی به زنان نسبت داده‌شده‌است، که ۶۰/۱۹ درصد آن را ویژگی‌های منفی، ۲۰/۳۹ درصد را ویژگی‌های مثبت، و ۱۹/۴۲ درصد را ویژگی‌های خنثا تشکیل می‌دهد (نمودار ۴). از میان ویژگی‌های منفی، به‌ترتیب، فریب‌کاری، هرزگی، بی‌وفایی، و از میان ویژگی‌های مثبت، به‌ترتیب، مهر مادری، خردمندی، و مهربانی دارای بالاترین بسامد است. در این کتاب، ۱۲۷ ویژگی نیز به مردان نسبت داده‌شده‌است، که ۵۱/۱۸ درصد آن را ویژگی‌های منفی، ۴۶/۴۶ درصد را ویژگی‌های مثبت، و ۲/۳۶ درصد را

ویژگی‌های خنثا تشکیل می‌دهد (نمودار ۴). از میان ویژگی‌های منفی، به‌ترتیب، هرزگی، دروغ‌گویی، فریب‌کاری، و نادانی، و از میان ویژگی‌های مثبت، به‌ترتیب، خردمندی، بخشندگی، هنرمندی، و دین‌داری دارای بالاترین بسآمد است. از میان کتاب‌هایی که در این پژوهش مورد بررسی قرار گرفته، **طوطی‌نامه** تنها کتابی است که در آن ویژگی‌های منفی مردان بیش از ویژگی‌های مثبت آنان است.

هرزگی، فریب‌کاری، و بی‌وفایی زنان محور اصلی داستان‌های **طوطی‌نامه** است. در این کتاب، زن به اندازه‌ی نادان، کودک، و سست انگاشته‌شده‌است که دو پرنده نگاه‌بانی از او را به عهده می‌گیرند. هنگامی که میمون قصد سفر دارد، به همسرش، خجسته، می‌گوید:

در حیئی که تو را کاری در پیش آید و مهمی عارض گردد، بدون صلاح و مصلحت. شارک و طوطی به عمل نیاری و بی رخصت و رضای این‌ها، کاری از قوه به فعل نیاری. (داراشکوه ۱۹۶۷: ۱۳)



نمودار ۴- پراکنش ویژگی مردان و زنان در **طوطی‌نامه**

در این داستان، تلاش شارک برای بازداشتن خجسته از خیانت، تلاشی ارزش‌مند است، اما مرگ زودرس او پایان نگاه کوتاه و مثبت نویسنده به این موجود ماده است. داستان‌های کتاب **طوطی‌نامه**، در مقایسه با کتاب‌های دیگر، شتابزده و بدون پرورش مضامین و شخصیت‌پردازی مناسب بازگو می‌شود و پایان آن نیز بسیار ناگهانی است. از شیوه‌ی نگارش و پایان شتابزده و تلخ آن نیز می‌توان دریافت که هدف نویسنده از نوشتن این کتاب، بیشتر، اندرزگویی و بیان داستانی پندآموز بوده‌است.

ویژگی‌های برجسته

در متون مورد بررسی، مجموعاً ۸۶۳ ویژگی به زن نسبت داده شده است، که ۵۷/۹۴ درصد آن را ویژگی‌های منفی، ۲۶/۷۷ درصد را ویژگی‌های مثبت، و ۱۵/۳۰ درصد را ویژگی‌های خنثا تشکیل می‌دهد. از میان ویژگی‌های منفی، به ترتیب، فریب‌کاری، بی‌وفایی، هرزگی، دروغ‌گویی، گمراه‌کنندگی، آسیب‌رسانی، نادانی، دورویی، و سنگ‌دلی، از میان ویژگی‌های مثبت، خردمندی، مهر مادری، دین‌داری، شهامت، روانی کلام، پاک‌دامنی، وفاداری، فرمان‌برداری، و هنرمندی، و از میان ویژگی‌های خنثا، زیبایی بیش‌ترین بسآمد را دارد. از ۱۸۷۰ ویژگی نسبت داده شده به مردان نیز ۳۶/۳۶ درصد را ویژگی‌های منفی، ۵۶/۴۲ درصد را ویژگی‌های مثبت، و ۷/۲۲ درصد را ویژگی‌های خنثا تشکیل می‌دهد.

تردیدی نیست که بسیاری از این باورها ریشه در اساطیر، مذاهب، و نگاه تاریخی و اجتماعی جامعه‌ی هند به زنان دارد و بررسی آن‌ها، در دنباله‌ی پژوهش، می‌تواند برای یافتن دلایل پیدایش و گسترش این نگرش راه‌گشا باشد.

خردمندی

با این وجود که بیش‌تر متون کهن سرشار از مفاهیمی است که فرودستی و بی‌ارزشی زنان را نشان می‌دهد، در بخش‌هایی از این متون، زنان مورد ستایش قرار گرفته‌اند و با ویژگی‌هایی چون «قوم عالم» (نثری ۱۳۵۲: ۲۰۶-۲۰۷)، «عماد دین»، «آبادانی خانه»، و «نظام تن» (منشی ۱۳۸۱: ۲۴۴) توصیف شده‌اند. وجود این زنان عامل خوش‌بختی مرد دانسته شده است و اگر به ویژگی‌هایی چون وفاداری و راست‌کاری نیز آراسته باشند، «با چندان لطافتِ چهره و طراوتِ غره که در ایشان است، مرد را از راه مروت واجب شدی که خاکِ کفِ پایِ ایشان در دیده کشیدی» (نثری ۱۳۵۲: ۲۱۳).

از ویژگی‌های مثبت نسبت داده شده به زنان در این کتاب‌ها، خردمندی اهمیتی بسیار دارد و زنان، در بسیاری از داستان‌ها، با خردمندی خود، مشکلاتی را که دیگران از حل آن ناتوان اند از پیش روی برمی‌دارند. در این میان، نقش زنان خردمندی که با شاهان پیوندی نزدیک دارند بسیار برجسته‌تر است.

در باب‌های «بازجستِ کارِ دمنه» (منشی ۱۳۸۱: ۱۲۹-۱۵۶) و «شیر و شغال» (هم‌آن: ۳۱۹-۳۲۷) **کلّیه و دمنه**، که داستان‌هایی همانند دارند، مادر شیر، با کاردانی و خردمندی، شیر را در آشکار کردن حقیقت یاری می‌کند، در باب «پادشاه و برهمنان» (هم‌آن: ۳۴۷-۳۹۶)، **یازدخت**، همسر پادشاه، با همکاری وزیر کاردان، پادشاه را از بحرانی که دشمنان برایش

پدید آورده‌اند نجات می‌دهد، و در داستان «مردِ خاک‌جوی و یافتنِ دُر» قیمتی در میانِ خاک و به باد دادنِ دُر» (ثری ۱۳۵۲: ۱۶۵-۱۶۵) **جواهرالاسمار** نیز، مردی، با خاک‌بیزی، به گوهری گران‌بها دست می‌یابد و تصمیم به سفر می‌گیرد، اما یکی از هم‌سفران گوهر را می‌دزدد و هنگامی که مرد به دادخواهی می‌رود، دختر رای، با هوش‌مندی، دزد را پیدا می‌کند و گوهر را به صاحب‌اش بازمی‌گرداند؛ بدین ترتیب در هر چهار داستان، زنان، مشاوران مورداعتماد پادشاه اند.

در میان مردم عادی نیز زنان بسیاری دارای این ویژگی اند؛ برای نمونه، در «داستانِ پیرِ نابینا و بازرگان و طراران» (ظهیری سمرقندی ۱۹۴۸: ۲۹۹-۳۱۳) **سندبادنامه**، پیرزنی خردمند مردی غریب راه، که همه‌ی دارایی‌اش را از دست داده‌است، یاری می‌کند و دارایی‌اش را به او بازمی‌گرداند. در جاهای دیگر، مانند «برنایِ نیشابوری که یک زمان عاشقِ پری‌رویی گشته» (ثری ۱۳۵۲: ۶۰-۶۱) و «دیدنِ نرگسِ چمن و خندیدنِ آن مرغ مسمن» (هم‌آن: ۲۶۸-۲۷۹)، در **جواهرالاسمار**، و «زریرِ پارچه‌باف و نایاری کردنِ بختِ او» (داراشکوه ۱۹۶۷: ۸۹-۹۱)، در **طوطی‌نامه**، نیز دانایی زنان و دوراندیشی آن‌ها بسیار برجسته است.

باور خردمندی و دانش‌وری زن ریشه در اساطیر دارد و در گذشته‌های دور، خدایان، بیش‌تر، به شکل زنان زیبا و نمادی از خرد و دانش نمایان می‌شدند (انصاف‌پور ۱۳۴۶). نمونه‌هایی از این باور را در اسطوره‌های مربوط به سرس‌وتی، از ایزدبانوان ودایی و آیین هندو، می‌بینیم، که در آن‌ها سرس‌وتی، با جلوه‌هایی گوناگون، به عنوان ایزدبانوی سخن و کلام، فراگیری، دانش، و هنرهای خلاق، به‌ویژه شعر و موسیقی، نمایان می‌شود (ایونس ۱۳۷۳). در دوره‌ی بودایی نیز سرس‌وتی ایزدبانوی آموزش و پراحنیا^۱ ایزدبانوی دانش است (هم‌آن). در اساطیر ایران نیز رگه‌هایی از این باور را می‌توان دید؛ برای نمونه، پورچیستا، که در گذشته از نام‌های دختران به شمار می‌رفته، در «دین‌یشت» به معنای «علم‌پر» آمده‌است (رضایی ۱۳۶۸) و ایزدبانویی نیز به نام چیستا در اساطیر ایران دیده‌می‌شود، که نماد دانش و فرزندی است (شهریاری ۱۳۷۹).

مهر مادری

پاک‌انگاری و بزرگ‌داشت سوبه‌ی مادری وجود زن پیشینه‌یی به اندازه‌ی زندگی بشر دارد و از گذشته‌های بسیار دور، زنان، به دلیل داشتن توانایی مادر شدن و پرورش فرزند، مورد ستایش و پرستش قرار می‌گرفته‌اند. در اساطیر ملل گوناگون، حضور مادر، به عنوان نماد زندگی و آفرینش، اندیشه‌یی محوری به شمار می‌رود و باورهای اسطوره‌یی در باره‌ی مادر،

^۱ Prajñā (प्रज्ञा) or Paññā (Pāli)

که هنوز هم در ناخودآگاه انسان‌ها وجود دارد، خود را در سوبه‌های گوناگون زندگی آنان نشان می‌دهد:

صفات منسوب به «مادر مثالی»، از دیدگاه یونگ^۱، عبارت‌اند از شوق و شفقت مادرانه، قدرت جادویی زنانه، فرزندی و رفعت روحانی، که برتر از دلیل و برهان است، هر غریزه و انگیزه‌ی یاری‌دهنده، و اساساً هر آنچه مهربان است، می‌پروراند و مراقبت می‌کند، و رشد و باروری را دربرمی‌گیرد. یونگ سه وجه اساسی برای مادر برمی‌گزیند؛ مهر مراقبت‌کننده و پرورش‌دهنده، احساسات تند، و اعماق تاریک او. (توسلی ۱۳۸۱: ۶۳)

در اساطیر هندی، این سوبه از وجود زن در شخصیت برخی از ایزدبانوان دوره‌ی کهن، چون پرتیوی^۲، ایزدبانوی باروری، آدیتی^۳، از ایزدبانوان ودایی. دارای خاستگاه ایرانی، و حتا لکشمی، از ایزدبانوان آیین هندو و همسر ویشنو^۴، زمانی که به‌تنهایی نیایش می‌شود، نمود می‌یابد (ایونس ۱۳۷۳).

با فرود زن از جایگاه اسطوره‌یی و الهی، سوبه‌ی مادری شخصیت زن نیز اهمیت گذشته‌ی خود را تا اندازه‌یی از دست می‌دهد و پاک‌انگاری خدای‌گونه‌ی مادر کم‌رنگ می‌شود. این وضعیت در ادبیات ملل گوناگون نیز وجود دارد:

قصه‌گویان کهن، تحت تأثیر آداب و سنت‌های اجتماع، زنان را فقط در نقش مادر، خواهر، و همسر معرفی می‌کردند. وقتی زن از این جایگاه ایده‌آل در قصه‌ها تنزل پیدا می‌کرد، تصویر او منفی می‌شد و در نقش جادوگر، نامادری، و ... حضور می‌یافت. (یافا ۱۳۸۲: ۱۸۸)

با توجه به این واقعیت، در اسطوره‌های مربوط به سرزمین هند نیز گاهی ویژگی‌هایی منفی در میان مادرخدایان کهن دیده می‌شود؛ برای نمونه، پرتیوی، ایزدبانوی ودایی و مادر / ایندرا^۵، با آن که در باورهای هندو به شکل فراهم‌آورنده‌ی خوراک و پرستار نمایان می‌شود، پس از به دنیا آمدن نوزاد، از ترس خدایان، فرزند خود را پنهان، و خوراک رساندن به او را فراموش می‌کند؛ از این رو، خدایان دیگر نیز او را تنها می‌گذارند. آدیتی نیز نسبت به پسر هشتم خود، ویوسوت^۶، بی‌مهر است و او را به دور می‌افکند. یاشوده^۷، همسر ناند^۸، از

¹ Jung, Carl Gustav (1875–1961)

² Prithvi (पृथ्वी prthvī, also पृथिवी prthivī)

³ Aditi (अदिति aditi)

⁴ Vishnu (विष्णु viṣṇu)

⁵ Indra (इन्द्र indra)

⁶ Vivasvān (विवस्वत् vivasvat) = Surya

⁷ Yasoda/Yashoda (यशोदा yaśodā)

⁸ Nanda (नंद nandā)

جابه‌جا کردن نوزاد دختر خود با کریشنا^۱، نمود هشتم ویشنو، شادی و خورسندی می‌کند؛ در حالی که پدر از این موضوع بی‌خبر است. سارانویو^۲، از ایزدبانوان ودایی، با سوریا^۳ ازدواج می‌کند و به دلیل برتافتن رخسندگی همسر، دو فرزند خود یمه^۴ و یمی^۵ را رها کرده، می‌گریزد و با آفرینش نامادری بی‌همانند خود، او را به سرپرستی فرزندان‌اش می‌گمارد. نامادری یمه را، به خاطر لگدی که به او می‌زند، نفرین می‌کند (ایونس ۱۳۷۳).

در داستان‌های هندی آمده در این پژوهش، زنان، بیش‌تر، در نقش همسر، معشوقه، و گاهی دلاله نمایان می‌شوند و از پاک‌بازی و گذشت مادر و پاکی جای‌گاه والا و واقعی او تنها در چند مورد یاد شده‌است؛ برای نمونه، در *کلیله و دمنه*، باب «بازجستِ کارِ دمنه» (منشی ۱۳۷۱: ۱۳۷-۱۵۶) و باب «شیر و شغال» (هم‌آن: ۳۰۴-۳۳۳)، مادر شیر به عنوان یک زن دل‌سوز، توانا، و مهربان دیده‌می‌شود و حقیقت را آشکار می‌کند. در باب «فنزّه و پادشاه» (هم‌آن: ۲۸۳-۳۰۳) و داستان «مرغانِ طیطوی و وکیلِ دریا» (هم‌آن: ۱۱۰-۱۱۳) نیز به نقش مادر و مهر مادری توجه شده‌است. در میان داستان‌های *طوطی‌نامه*، داستان «شیر و بچگان» او و پرورش کردن او بچه‌شغال را، (داراشکوه ۱۹۶۷: ۱۳۷-۱۳۹) شایان توجه است، زیرا در آن، شیر مادر نرم‌دل است و احساس مادرانه دارد. داستان «یک غوک و زنبور و مرغ، که پیل را کشته‌بودند» (هم‌آن: ۱۵۲-۱۵۴) نیز همانند داستان «مرغانِ طیطوی و وکیلِ دریا» و «پادشاه و فنزه» است، که در آن، نقش مادرانه به گونه‌ی بی‌تابی، دل‌هره، و انتقام‌جویی، به دلیل از دست دادن فرزند، نشان داده‌می‌شود. از جای‌گاه والای پدر و مادر و لزوم فرمان‌برداری از آن‌ها تنها در داستان «صالح، پسر زاهد بلخ، و فرمان‌برداری پدر و مادر» (نفری ۱۳۵۲: ۴۴۸-۴۵۱)، در *جواهرالاسمار*، به‌روشنی یاد شده‌است. در این داستان، مرد شکارچی، که به مکاشفه رسیده‌است، در باره‌ی چه‌گونگی رسیدن به این جای‌گاه معنوی، به صالح می‌گوید:

این همه علو مرتبت و سمو درجت که دیدی—با چندان خون‌ریزی و دل‌آزاری که در ما است—به سبب خدمت پدر و مادر است؛ و خواهرم را جهت اطاعت از شوی؛ و تو، بی‌اذنِ مادر و پدر پای بیرون نهادی. (هم‌آن: ۴۵۱)

در «داستان زن و کودک و چاه و رسن» (ظهیری سمرقندی ۱۹۴۸: ۲۸۳-۲۸۵) *سندبادنامه*، موضوع کاملاً دیگرگون است. در این داستان، زنی هرزه، که می‌خواهد از چاه آب بردارد، با

¹ Krishna (कृष्ण kṛṣṇa)

² Saranyu (सरण्यू saranyū) or Saraniya (also known as Saranya, Sanjna, or Sangya)

³ Surya (सूर्य sūrya)

⁴ Yama (यम yama)

⁵ Yami (यमी yamī)

دیدن معشوق خود، از شدت شهوت‌پرستی، ریسمان راه، به جای دلو، بر گردن فرزندش می‌بندد و به چاه می‌فرستد. در این کتاب، که اوج بدبینی به زن را در آن می‌توان دید، زنان، بیش‌تر، به عنوان موجودی زیبا، هرزه، و تک‌سویه نمایانده می‌شوند و نشانی از مهر مادری در آن‌ها به چشم نمی‌خورد.

گفتنی است در داستان‌هایی که هدف اصلی آن‌ها سرگرمی و پند و اندرزگویی است، نمی‌توان به همه‌ی حقایق اجتماعی و فرهنگی دست یافت؛ پس نگاه یک‌سویه به زن، در این گونه متون، توجیه‌پذیر به نظر می‌رسد. مضمون اصلی این داستان‌ها، که بر محور زن‌ستیزی است، با نقش مادری زن هیچ‌گونه هم‌خوانی ندارد و به همین دلیل، باید حساب مادر از حساب زنان هرزه—که حضور آنان برای پروراندن مضامین سرگرم‌کننده و هش‌داردهنده کاملاً ضروری است—جدا شود.

هنرمندی

در تاریخ، زنان هنرمند بی‌شماری را می‌توان یافت که در کنار مردان، دست به آفرینش‌های هنری گوناگون زده‌اند، اما در بسیاری از متون، تنها هنر نوازندگی، رقص، و آواز آنان مورد توجه و ستایش قرار گرفته‌است. در جای‌جای چون این متونی، پادشاهان و مردان ثروت‌مند کنیزکانی هنرمند در دربار خود دارند، که در جشن‌ها و مهمانی‌ها، تماشاگران را سرگرم می‌کنند؛ برای نمونه، در داستان «فراهم آمدن هشتاد حکیم و شناختن طبع امیرزاده‌ی صفاهان» *جواهرالاسمار* آمده‌است:

و چهل دختر. مغنی. روی پوشیده‌ی. خوش‌آواز و نغزالحان—که از رشک، زهره‌ی. زهره، رقص. فلک را می‌شکافت، بل خون‌اش آب می‌شد—سماعی شاهانه و سرودی عاشقانه و نوای. خسروانی به‌رسم در دادند. (نثری ۱۳۵۲: ۱۷۰)

در فرهنگ مردم هندوستان، رقص تنها یک هنر نیست، بلکه آیینی مذهبی و مقدس به شمار می‌آید. رقص *شیوا*، خدای کهن ودایی، نماد شکوه او، تحرک، و وسیله‌ی ابدی کردن جهان است:

شیوا با رقص تانداوا^۱، جهان را در پایان هر گردش دورانی و فرارسیدن زمان پیوستن به جهان ارواح به پایان می‌برد و موجبات تباهی جهان تخیلی مایا را فراهم می‌سازد. مایا در این جا، نه قوانین مرموز مسلط بر جهان وارونا^۲، که حجاب توهم و چیزی است که در زندگی زمینی جاری است، و نیز چیزی است که با رهایی از آن آزادی و رهایی میسر می‌شود. *شیوا* به هنگام رقص، نماد حقیقت

¹ Tandava (तान्दव tādāva)

² Varuna (वरुण varuṇa)

جهان، فرورفته در هاله‌یی از نور و با جمعی از ارواح هم‌راه می‌شود. تنها نیک‌بختان می‌توانند رقص *ثیو* را به چشم ببینند [۰۰۰] *ثیو* به گردش چشمی، اهریمنان و ارواح ناپاک راه، به هنگام رقص، با قدرت روحانی خود تسخیر می‌کند. (ایونس: ۱۳۷۳: ۷۴-۷۵)

در راسا-لی-لا^۱ یا رقص *کریشنا* نیز، سیمای خدامانند *کریشنا*، چندباره و در هاله‌یی از نور، نشان داده می‌شود (هم‌آن) و نمایش *سرس‌وتی*، به شکل ایزدبانوی هنرهای خلاق، به‌ویژه شعر و موسیقی، نیز از دیگر موارد این باور است (هم‌آن)، اما این آیین مقدس، در کتاب‌های هندی مورد بررسی، به اندازه‌ی یک هنر زنانه و ابزاری برای سرگرمی ثروت‌مندان فروکاسته شده‌است و هیچ نشانی از تقدس ندارد.

زیبایی

در بیش‌تر متون کهن، کم‌تر زنی را می‌توان یافت که زیبایی او مورد ستایش قرار نگرفته باشد. در کتاب‌های مورد بررسی این پژوهش نیز، ۷۴ بار، به گونه‌یی آشکار و پنهان، از زیبایی زنان یاد شده‌است، که در ۳۹ مورد (۵۲/۷۰ درصد)، به هم‌راه هرزگی است و در واقع، زیبایی زمینه‌ساز هرزگی و خیانت به شمار می‌آید. در ۳۵ مورد (۴۷/۳۰ درصد) نیز زنان یا زیبا و پاک‌دامن اند یا تنها از زیبایی آن‌ها، بدون توجه به پاک‌دامنی و هرزگی، سخن گفته شده‌است.

در داستان «خورشید، زن - صاعده - بازرگان، که وفور - جمال‌اش وبال - حال او شده بود» (نثری ۱۳۵۲: ۳۶۶-۳۷۳)، در *جواهرالاسمار*، خورشید، زنی بسیار زیبا و پاک‌دامن است و همین ویژگی‌ها زندگی او را کاملاً دگرگون می‌کند. خورشید، که نمی‌خواهد زیبایی خود را ابزار فساد کند، پس از پشت سر گذاشتن بحران‌ها و رنج‌های فراوان، سرانجام به جای‌گاه والایی معنوی می‌رسد. *بهارویه*، زن مرزبان، در *کلبه و دمنه*، نیز، که «چو ماه روی، و چو گل عارض، و چو سیم ذقن دارد و در غایت حسن و جمال و نهایت صلاح و عفاف است» (مشی ۱۳۸۱: ۱۵۳-۱۵۴)، از سوی غلامی بازدار دوچار خطر می‌شود و نزدیک است جان شیرین بر سر بی‌حفاظی آن نابه‌کار کند، که با زیرکی و تیزهوشی خود جان به‌درمی‌برد و پاک‌ی او بر همگان روشن می‌شود؛ بنا بر این، در این کتاب‌ها، زیبایی زن، بیش از هر ویژگی دیگر، مورد ستایش و توجه قرار گرفته و، به‌ویژه در آغاز هر داستان، تصویرسازی‌هایی پرشمار از آن شده‌است.

¹ Rasa-lila (रस लीला rāsa-līlā)

ستایش زیبایی زن تنها بسته به اثر یا دوره‌ی خاص نیست:

زن نه تنها در نظر پراحساس‌ترین ملل متمدن جهان، بل که در میان قبایل سیاه‌پوست آفریقا و استرالیا، و در نزد مردمی که در دهات کوچک، به صورت دسته‌های پنج شش خانواری، در دشت‌های سپید و خاموش قطب شمال زیست می‌کنند، مظهر زیبایی و معجزات خلقت خداوند شناخته شده‌است. (انصاف‌پور ۱۳۴۶: ۱۷۳)

زیبایی زنان و ایزدبانوان هندی نیز در جای‌جای اسطوره‌های هندی مورد ستایش قرار گرفته و حتا وسیله‌ی برای رسیدن به اهداف خاص و گاه دوازده‌تیرس شده‌است: *اوشا*^۱، ایزدبانوی بامداد و روز، «در جامه‌ی سرخ با حاشیه‌ی زرین و چون عروسی باوقار یا زنی زیبا، که زیبایی او هر بامداد، به هنگام بدرود با شوهر خویش، فزونی می‌گیرد تصویر می‌شود» (ایونس ۱۳۷۳: ۳۲)؛ *لکش‌می* ایزدبانوی نیک‌بختی و زیبایی است؛ *پوتانه*^۲ ماده‌غولی بچه‌کش است که خود را به شکل دختری زیبا درمی‌آورد تا به *کریشنا* شیر مسموم بدهد و او را بکشد؛ *اهالیا*^۳ نخستین و زیباترین زنی است که به وسیله‌ی *برهما*^۴ آفریده‌می‌شود و *ایندرا*، با دگرگونی شکل خود، او را فریفته، با وی هم‌بستر می‌شود؛ و *ماناسا دوی*^۵ ایزدبانویی است که به منظور نیایش شدن، به شکل دختری زیبا بر بازرگانی به نام *چاند*^۶ آشکار می‌شود و پس از گرفتن نیروی جادویی او، وی را وادار به نیایش می‌کند (هم‌آن). روح زیبایی‌پسند مردمان باستان، با باورهای مذهبی، که خود ستایش‌گر زیبایی بوده‌اند، تقویت می‌شده و آن‌ها را به سوی انتخاب همسر، معشوق، کنیز، و نویسنده‌ی زیبا می‌کشانده‌است؛ تا جایی که مردان هخامنشی به زیبایی زن خود مغرور بوده و به آن می‌بالیده‌اند (حجازی ۱۳۷۰).

فریب‌کاری

در این کتاب‌ها، فریب‌کاری، بیش از سایر ویژگی‌ها، به زن نسبت داده شده‌است و نزدیک ۱۳/۳۲ درصد کل ویژگی‌های منفی نسبت داده شده به زن را در مجموع چهار کتاب دربرمی‌گیرد. یکی از محورهای اصلی کتاب *سندبادنامه*، مضمون بیش‌تر داستان‌های *طوطی‌نامه* و *جواهرالاسمار*، و نیز بخشی از *کلیله و دمنه*، نشان‌دهنده‌ی فریب‌کاری بیش‌ازاندازه‌ی زنان است. در این داستان‌ها، زنان هرزه و نابه‌کار، برای بی‌گناه نشان دادن

¹ Ushas (उषस् usas)

² Putana (पूतना pūtanā)

³ Ahalya (अहल्या ahalyā)

⁴ Brahma (ब्रह्मा brahmā)

⁵ Manasa Devi (मनसादेवी manasā devī)

⁶ Chand Saudagar (Chand the merchant) (चंदू सौदागर chandū saudagar)

خود، دست به فریب همسران‌شان می‌زنند و گاهی چون آن با مهارت این کار را می‌کنند که همسران‌شان نه تنها فریب می‌خورند و از اشتباه آنان چشم‌پوشی می‌کنند، بلکه در بسیاری از موارد، با شرم‌ساری از بدگمانی خود نسبت به زنان‌شان، خواستار بخشش آنان نیز می‌شوند. در *سندبادنامه*، بیش از دیگر کتاب‌ها، این ویژگی دیده‌می‌شود. کنیزی که در عشق خود به شاهزاده شکست خورده‌است، با فریب‌کاری و مظلوم‌نمایی، تلاش می‌کند خود را بی‌گناه و شاهزاده را گناه‌کار نشان دهد. وزیران کاردان و خردمند، در مدت هفت روز، به نزد پادشاه می‌روند تا او را که تحت تأثیر کنیزک فریب‌کار تصمیم به کشتن شاهزاده دارد، از کشتن فرزندش بازدارند و به این منظور، داستان‌هایی بسیار در باره‌ی فریب‌کاری و نیرنگ زنان بازگو می‌کنند. اوج این بدبینی در «داستان. آن مرد کی حیل‌های زنان جمع کرد» (ظهیری سمرقندی ۱۹۴۸: ۶۹-۷۰) دیده‌می‌شود. در این داستان، مردی در پی آن است که با گردآوری مکرهای زنان و آگاهی از آن‌ها، پس از ازدواج دوچار مشکل نشود. در این میان، او با فردی دیگر، که ادعا می‌کند همه‌ی مکرهای زنان را گردآورده‌است، آشنا می‌شود و ۳۳ سال از عمرش را، شب و روز و پی‌درپی، برای یادداشت کردن مکر زنان می‌گذراند، اما سرانجام زنی هرزه، که میزبان وی است، به او ثابت می‌کند که هرگز نخواهد توانست از همه‌ی مکرهای زنان آگاهی یابد.

در *جواهرالاسمار*، *کلبه و دمنه*، *طوطی‌نامه*، و کتاب‌هایی دیگر، مانند *هنروریک شب* و *سمک عیار* نیز بر فریب‌کاری زنان بسیار تأکید شده‌است و حتا گاهی خود زنان به فریب‌کاری بی‌پایان جنس زن اعتراف می‌کنند؛ برای نمونه، در «حکایت تاج‌الملوک» *هنروریک شب*، قهرمان اصلی، که مردی بسیار جوان است، به چند زن دل می‌بازد و یکی از این زنان به او می‌گوید:

اکنون تو را پند می‌گویم که از زنان بر حذر باش و باز بر حذر باش، که تو مکر. زنان ندانی. (افراسیابی ۱۳۷۸: ۳۷)

در ضرب‌المثل‌ها نیز این ویژگی به زن نسبت داده‌شده‌است و ضرب‌المثل ایرانی «گریه‌ی زن مکر. زن است» (دهخدا ۱۳۷۶، ج ۳: ۱۳۱۲) نمونه‌یی از آن به شمار می‌آید. اگرچه مواردی فراوان از فریب‌کاری مردان را نیز در متون کهن می‌توان یافت، اما در جای‌جای این متون، بر زنانه بودن این ویژگی تأکید شده‌است و به نظر می‌رسد این اندیشه ریشه در باورهای گذشتگان دارد:

زن به مرتبه‌ی وجودی «طبیعت» تعلق دارد، اما مرد، برعکس، علاوه بر طبیعت‌اش،

القوه چیزی برتر از طبیعت در خود دارد؛ از این رو، الاهیات کاتولیکی. یهودی‌تبار

معتقد است که فقط مرد به صورت ذات حق آفریده شده؛ زیرا زن فقط جزئی از طبیعت است، اما مرد برتر از طبیعت است؛ به همین جهت، زن را متصف به صفاتی از قبیل چرب‌زبانی، نیرنگ‌سازی، تلون مزاج، بی‌ثباتی، و دروغ‌زنی دانسته‌اند، که همه از عواقب سرشت «آب‌ناک» و «قمری» است، که به وی منسوب می‌دارند و نیز بر این باور اند که در سرشت‌اش، هیجان و هوس بر عقل و منطق می‌چربد. (ستاری ۱۳۷۵: ۲۳۸)

برخلاف باورهای مسیحی و یهودی، در روایات زردشتی و کتاب‌های **بندهشن**، **روایت پهلوی**، و **گزیده‌های زاداسپرم**، آفرینش پدر و مادر جهانیان، مهری و مهریانه، یا مهلا و مهلیانه، یا مشی و مشیانه، به گونه‌ی یک‌سان و هم‌زمان است. آن دو به پیکر ریاس، با هم، از زمین می‌رویند، به یک‌دیگر پیوسته اند، روان یا فرهی هر‌مزد به هم‌قدی ایشان میان‌شان برمی‌آید، و چون آن همانند اند که پیدا نیست کدام نر و کدام ماده است (میرفخرایی ۱۳۶۶)؛ بدین ترتیب، در این روایات ایرانی، طبیعت زن از جایگاهی برابر با مرد برخوردار است و به او، به عنوان بخشی از طبیعت نگریسته نشده‌است.

شاید نسبت دادن ویژگی فریب‌کاری به زن تحت تأثیر باوری یهودی است که زن را جنس دوم یا جنس ضعیف و جزئی می‌داند. در «سفر پیدایش» **عهد عتیق**، آفرینش حوا از یکی از دنده‌های آدم دانسته شده، که بخشی از وجود آدم است، و هم‌اوست که به اغوای مار آدم را می‌فریبد که از میوه‌ی درخت ممنوع بخورد و معرفت نیک و بد بیابد (ترجمه‌ی **تفسیری فارسی کتاب مقدس** ۱۹۹۵). در بسیاری از داستان‌های متون کهن نیز، سخن از موجوداتی ضعیف است، که با خردمندی یا فریب‌کاری، موجودی بسیار بزرگ‌تر و نیرومندتر از خود را شکست می‌دهند؛ برای نمونه، داستان «خرگوش، که به حیلت، شیر را هلاک کرد» (منشی ۱۳۸۱: ۸۶-۸۸)، در **کلیله و دمنه**، و داستان «یک غور و زنبور و مرغ، که پیل را کشته‌بودند» (داراشکوه ۱۹۶۷: ۱۵۱-۱۵۴)، در **طوطی‌نامه**، چون این مضمونی دارند و نشان می‌دهند زنان نیز، با وجود توان جسمانی کم‌تر، به وسیله‌ی فریب یا هوس و زیرکی، بر جنس نیرومند، یعنی مردان، چیرگی پنهانی دارند.

هرزگی

این ویژگی، ۹۴/۹ درصد کل ویژگی‌های منفی نسبت داده شده به زن را، در این کتاب‌ها، تشکیل می‌دهد. محور اصلی داستان‌های **سندبادنامه**، **جواهرالاسمار**، و **طوطی‌نامه** خیانت و هرزگی زنان است و داستان‌ها زمانی آغاز می‌شوند که زنان به فکر خیانت به همسران خود می‌افتند. در **جواهرالاسمار** و **طوطی‌نامه**، زن هرزه و البته کودک‌ش، با داستان‌های یک

طوطی سرگرم می‌شود و فرصت خیانت به همسرش را نمی‌یابد. همه‌ی ماجراهای فرعی این دو کتاب داستان‌هایی است که طوطی برای خیانت نکردن زن بازگو می‌کند. در *سندبادنامه* نیز، هفت وزیر خردمند داستان‌هایی در باره‌ی فریب‌کاری و هرزگی زنان برای پادشاه بازگو می‌کنند تا از کشته شدن شاهزاده‌ی بی‌گناه به دست پادشاه، که تحت تأثیر سخنان کینیزک هرزه قرار گرفته‌است، جلوگیری کنند. بخشی از داستان‌های *کلیله و دمنه* نیز به این موضوع می‌پردازد. زنان در این متون، بیشتر، به عنوان موجوداتی هرزه و خیانت‌کار معرفی شده‌اند، که با یافتن فرصت، دست به خیانت می‌زنند و هیچ کس و هیچ چیز نمی‌تواند جلودار آن‌ها شود. نهایت همت این زنان، شهوت‌رانی و فریب‌کاری، برای سرپوش گذاشتن بر هرزگی‌شان است.

در بیشتر این داستان‌ها، شرایطی همانند برای هرزگی زنان وجود دارد؛ یعنی همه‌ی آنان دارای زیبایی بسیار اند و همسر بیش‌تر آن‌ها در سفر است. در این میان دل‌له‌هایی فریب‌کار هم وجود دارند، که با فریب دادن این زنان، به تبه‌کاری آنان دامن می‌زنند. در برخی از داستان‌ها، این ویژگی بسیار برجسته شده‌است؛ برای نمونه، در «داستان زن و کودک و چاه و رسن» (ظهیری سمرقندی ۱۹۴۸: ۲۸۳-۲۸۵) *سندبادنامه*، زن هرزه، با دیدن معشوق، چون آن از خود بی‌خود می‌شود که ریسمان را، به جای دل، بر گردن کودک خود می‌بندد و او را به چاه می‌فرستد. در داستان «زن برهمن، که خان‌ومانش سوخته، مشوش و پیشیمان گشته‌بود» (تغری ۱۳۵۲: ۲۷۵-۲۷۶)، در *جواهرالاسمار*، زن برهمن، که از بازگشت همسرش از سفر خشم‌گین است، برای این که بتواند با وجود همسرش، معشوق را ببیند، خانه‌ی خود را آتش می‌زند تا به اهداف پلید خود برسد. در داستان «*هزرناز و بهزاد* بازرگان و بینی *هزرناز*» (هم‌آن: ۳۰۴-۳۰۷) و «*زن مرد جوکی*، که به سبب رشک بسیار در مغازه‌ها می‌گردانید» (هم‌آن: ۷۱-۷۳) نیز هرزگی زن به شکلی بیش‌ازاندازه برجسته شده‌است. در مقدمه‌ی *جواهرالاسمار*، سه دلیل اصلی برای هرزه دانستن زنان آمده‌است (تغری ۱۳۵۲: چهل‌وپنج- پنجاه):

- ۱ نویسنده‌ی *جواهرالاسمار*، برای نزدیک شدن به پادشاه، تلاش کرده‌است موضوعی را برگزیند که مهم‌ترین نگرانی پادشاه باشد. خیانت و هرزگی زن را می‌تواند درگیری ذهنی خاص طبقه‌ی ثروتمند رای‌ها دانست.
- ۲ خیانت احتمالی همسران بزرگ‌ترین نگرانی مردان هندی بود، که برای برآوردن نیازهای مادی خود، مدت‌های طولانی از خانه و کاشانه دور بودند؛ از این رو،

مردان هندی این داستان‌ها متعصب، شکاک، و خواستار وفاداری همسر اند و زنان هندی نیز بی‌قید، بی‌وفا، و فریب‌کار توصیف شده‌اند.

۳ نویسنده‌ی این کتاب، برای آراستن داستان‌ها، از روی‌دادها و تجربه‌های زندگی خویش در ایران و هند استفاده کرده‌است؛ بنا بر این، سویی آموزشی این کتاب را نباید نادیده گرفت.

گفتنی است که دلایل این برجسته‌سازی‌ها به موارد گفته‌شده محدود نیست و نشانه‌هایی وجود دارد که خبر از جاری بودن این بدبینی‌ها در باور و اندیشه‌ی مردم کهن می‌دهد؛ بدبینی‌هایی که می‌تواند برآمده از آموزه‌های دینی و اسطوره‌ی نیز باشد. در متون مذهبی ایران باستان، هند، و دیگر ملل، مطالبی را می‌توان یافت که نشان از هرزگی زنان دارد؛ برای نمونه، بودا به زنی هرزه، که زنان بدکاره را در خانه‌ی خود نگاه‌می‌داشته‌است، می‌گوید:

امراپالی! دل و اندیشه‌ی یک زن، به‌سادگی آشفته و بدره می‌شود. زن، خیلی آسان‌تر از مرد، به راه امیال خود می‌رود و دل به حسد می‌سپارد؛ پس، دنبال کردن طریق. والا، برای زن، دشوارتر باشد؛ خاصه زن. جوان و زیبا چون این است. باید که تو با چیره شدن بر شهوت و وسوسه‌ی نفس، در سوی طریقت والا گام نهی. (رجب‌زاده ۱۳۶۴:۲۴۲)

چون این باوری در **مهابهارت**^۱ نیز وجود دارد و کشیشان اروپایی سده‌های میانه نیز مانند **مهابهارت** می‌اندیشیدند. آنان باور داشتند که زنان، طبیعتاً، جفت‌جوی، شهوتران، و سیری‌ناپذیر در کامرانی اند و به همین سبب، ذاتاً، قانون‌شکن، بی‌وفا، و فاسد به شمار می‌آیند؛ پس مردان باید، به هر وسیله، آنان را خانه‌نشین و از چشم دیگران پنهان کنند تا بتوانند بر آنان چیره شوند (ستاری ۱۳۷۵).

در کیش زروانی نیز مطالبی فراوانی در نکوهش زنان می‌توان دید:

در بعضی از صورت‌های بازسازی‌شده‌ی «روایات هبوط»، در کیش زروانی، جهی^۲ شیر، یعنی زن بدکاره، نخست با اهریمن هم‌آغوش شد و بعد، مرد راست‌کار، یعنی کیومرث، را فریب داد. اگر چون این باشد، زروانیان بر این باور بوده‌اند که هوس جنسی زن موجب حضور شر در این جهان است. (عرب گلپایگانی ۱۳۷۶:۱۲۹)

دیدگاه هرزه‌انگارانه‌ی زنان در هند می‌تواند از متون اسطوره‌ی این سرزمین نیز برخاسته‌باشد. زنان و ایزدبانوان این متون گاهی اندیشه و گاهی رفتار ناپاک دارند؛ برای

^۱ Mahabharata (महाभारत mahābhārata)

^۲ Jahi

نمونه، ویشنو، در تجلی ششم خود، به نام پره‌شوراما^۱، بر پسری برهمن و زاهد با نام یمه‌داگنی^۲ آشکار می‌شود. همسر یمه‌داگنی روزی زن و مردی جوان و شادمان را در حال شنا کردن در برکه‌یی می‌بیند و به سودایی ناپاک فرو می‌رود. یمه‌داگنی که از ماجرا آگاه می‌شود، در بازگشت به خانه تصمیم می‌گیرد همسر خود را بکشد و از پسران‌اش می‌خواهد سر از تن مادر جدا کنند. همه از این کار سربازمی‌زنند، اما پره‌شوراما می‌پذیرد و مادر را با تبر گردن می‌زند (ایونس ۱۳۷۳). لکش‌می یا سری^۳، همسر ویشنو، با آن که به ویشنو وفادار است، اما ایزدبانوی هوس نامیده‌شده‌است و «مریدان را می‌آموزد که از آن جا که تن، پس از مرگ، متلاشی می‌شود، پس باید بهشت را بر زمین و از طریق لذات جنسی به‌دست‌آورد» (هم‌آن: ۱۲۵). راتی^۴، دختر دکشه^۵ و همسر کامه^۶، ایزدبانوی شور جنسی است و مانند همسر خود، به سبک‌سری مشهور است. نام دیگر او مایاواتی^۷، به معنای ریاکار است (هم‌آن). کریشنا، هشتمین تجلی ویشنو، در دوره‌ی جوانی و عشق‌بازی خود، روزی از برهمنانی که برای فدیة دادن به خدایان خوراک آماده می‌کردند غذا می‌خواهد. برهمنان خودداری می‌ورزند، اما «زنان برهمن، بدان دلیل که کریشنا دل آنان را روده‌بود، پنهان از شوهران خویش، او را غذا دادند و او را خدا خواندند و به تماشایش نشستند و هنگامی که نزد شوهران خود بازگشتند شوهران آن‌ها را بخشیده‌بودند و از این که خود فرصت خدمت به خدایی جوان را از دست‌داده‌بودند، بدان‌ها حسرت بردند. در اسطوره‌ی کریشنا، داستان زنان برهمن گویای توجه ویژه‌ی زنان به کریشنا و ماجراهای عاشقانه‌ی او با زنان، به‌ویژه دختران گاوبان است» (هم‌آن: ۱۰۵-۱۰۶).

ماجرای کریشنا با زنان برهمن و درگذشتن برهمنان از اشتباه آنان، تا اندازه‌ی، یادآور داستان «درودرگر شهر سراندیب» در کلیله و دمنه است، که با آن که خلوت همسر ناپاک خود با میره‌ی ناحفاظش را می‌بیند، پس از دم‌دمه‌ی زن، از سر نادانی، می‌گوید:

اگر از این نوع پریشانی‌اندیشی از وجه سهو باشد، نه از طریق عمد، جانب دوست. تو رعایت کردن و آزر. مونس. تو نگاه داشتن لازم آید. دل قوی دار و هراس و نفرت را به خود راه مده! و مرا بجل کن، که در باب تو هر چیزی اندیشیدم و از هر نوع، بدگمانی داشتم. (مثنی ۱۳۸۱: ۲۲۱)

¹ Parashurama (परशुराम paraśurāma)

² Jamadagni (जमदग्नि yamādagni)

³ Sri (श्री śrī) = Lakshmi

⁴ Rati (रति Rati)

⁵ Daksha (दक्ष dakṣa)

⁶ Kama (काम kāma) or Kamadeva (काम देव kāma-deva)

⁷ Mayavati (मायावती māyāvati)

در داستان «زن صاحب‌جمال با مرد بقال» *سندبادنامه*، از مردی دهقان سخن به میان می‌آید که پارسا و دین‌دار است و زنی هرزه دارد. در باره‌ی این زن گفته شده است: زنی داشت، بر عادتِ ابنایِ روزگار، در متابعت و شهوت و تهمت گام فراخ‌تر نهادی و استتباعِ لهو و لعب از لوازمِ روزگارِ خود شمردی. (ظهیری سمرقندی ۱۹۴۸: ۱۲۸-۱۲۹)

در نسبت دادن ویژگی هرزگی به زنان، برخی واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی جامعه‌ی هند را نباید از نظر دور داشت. در *روح‌القوانین*^۱ *مونتسکیو*^۲ گفته شده است که «در هند، حجب و حیای طبیعی از میان رفته بوده و گاهی مردان مجبور می‌شده‌اند خود را از دیدن زنان محفوظ بدارند» (رازانی ۱۳۵۰: ۶۲). *مونتسکیو* از رسم چندشوهری در هندوستان نیز یاد کرده و آن را دلیل فحشا شمرده است (مطهری ۱۳۵۷). این رسم هنوز هم در مناطقی از هندوستان وجود دارد (پلنگی ۱۳۷۶ ب). رسمی دیگر، که هنوز در مناطقی از هند به چشم می‌خورد، ستی است. ستی یا *دکشاینی*^۳، نخستین همسر شیوا است، که خود را در آتش قربانی می‌افکند و خاکستر می‌شود (ایونس ۱۳۷۳). در این آیین، که ریشه در اسطوره‌ی ستی دارد، زنی جوان، که همسر خود را از دست داده است، خود را در آتش می‌اندازد تا با جسد همسرش بسوزد؛ زیرا در غیر این صورت، باید در همه‌ی مدت عمر از ازدواج پرهیز کند. برخی از پژوهش‌گران، از جمله دیودور^۴، تاریخ‌نگار یونانی، سرچشمه‌ی این سنت را در هرزگی زنان می‌داند و می‌گوید این رسم رواج یافته است تا دخترانی که از کودکی به ازدواج مردی مسن درآمده‌اند و به دلیل تنفر از همسران‌شان به فساد روی می‌آورند مهار شوند (علوی ۱۳۷۷). این دیدگاه حتا در ضرب‌المثل‌های هندی نیز دیده می‌شود و ضرب‌المثل «وقتی هیچ مردی وجود نداشته باشد، تمام زنان عقیف اند» (گری ۱۳۷۷: ۲۱۶) نشان‌دهنده‌ی همین موضوع است. مسائل و مشکلات اقتصادی جامعه‌ی فقیر هند و ممنوعیت طلاق یا ازدواج دوباره‌ی زنان بیوه در آیین‌های کهن این سرزمین را شاید بتوان از دلایل پیدایش این رسوم دانست.

توجه به این نکته ضروری است که همیشه نمی‌توان برای چهره‌های منفی زن در فرهنگ ملتها انگیزه‌ی اجتماعی یا ریشه‌ی تاریخی یافت و بر هم‌این اساس، نگاه منفی برخاسته از اسطوره‌های هندیان به زن، ممکن است بدون هیچ گونه واقعیت بیرونی، به

¹ *De l'esprit des lois [(On) The Spirit of the Laws]* (1748)

² Montesquieu, Charles-Louis de Secondat, baron de La Brède et de (1689–1755)

³ Dakshayani (दाक्षायणी dākshāyāni) or Sati (सती sati)

⁴ Diodorus Siculus (Διόδωρος Σικελιώτης, Diodoros Sikeliotes) (ca. 1st century BCE)

⁵ Groult, Benoîte

مناسبات اجتماعی و حتا خانوادگی هندیان وارد شده‌باشد؛ هرچند که می‌تواند گویای برخی واقعیت‌های تاریخی و اجتماعی جامعه‌ی هند و دیگر جوامع نیز باشد. در تاریخ ایران نیز دوره‌هایی وجود داشته که فساد زنان به صورت مشکلی اجتماعی مطرح بوده‌است. در زمان ساسانیان، به دلیل سست شدن پایه‌های باور به کردار نیک، پندار نیک، و گفتار نیک، سستی پیمان زناشویی، شهوت‌رانی مهارناشدنی برخی مردان، و پر بودن شبستان‌ها از زن، فساد ناشی از چندهمسری و سرخوردگی‌ها و خیانت‌های زنان انباشته در شبستان‌ها دیده‌می‌شود. در این دوره، با این وجود که روسپی‌گری در جامعه کاملاً عادی بوده‌است، زنان پاک‌دامن نیز در امان نبوده‌اند (حجازی ۱۳۷۰) و این گونه روی‌داده‌ها، به همراه برخی باورهای کهن اسطوره‌یی و مذهبی، در شکل‌گیری یا بیش‌تر کردن بدبینی نسبت به زنان بسیار تأثیر گذاشته‌است.

نادانی

نادانی ۴/۷۷ درصد از ویژگی‌های منفی نسبت‌داده‌شده به زن را در کتاب‌های موردبررسی این نوشتار دربرمی‌گیرد. در بسیاری از متون کهن، زنان، نادان، کوتاه‌فکر، و کم‌عقل معرفی شده‌اند؛ ویژگی‌هایی که موجب می‌شود شایستگی آن‌ها برای رای‌زنی نادیده گرفته‌شود. زنان *سندبادنامه*، بیش از کتاب‌های دیگر، به گونه‌ی مستقیم یا غیرمستقیم، دارای این ویژگی اند. وزیرانی که برای بازداشتن پادشاه از کشتن شاه‌زاده، هفت روز، به نزد پادشاه می‌روند، پی‌درپی کنیزک، و به گونه‌یی کلی زنان، را کم‌عقل و نادان معرفی می‌کنند و در بیش‌تر موارد، این ویژگی‌ها را ویژگی ذاتی زنان می‌دانند. نکته‌ی شایان‌توجه این است که در *سندبادنامه*، زنان از یک سو بسیار نادان و کم‌عقل اند و از سوی دیگر، چون آن فریب‌کار اند که عقل از درک میزان مکر آن‌ها ناتوان است. در این کتاب، حتا عقل و دانش پسر بچه‌یی پنج‌ساله بر عقل پیرزنی باتجربه و دین‌دار برتر دانسته‌می‌شود. نگاه نادان‌انگارانه به زن، در باورهای هندی، از اسطوره‌ها سرچشمه می‌گیرد. بر پایه‌ی یکی از این اسطوره‌ها:

برهما نخست نادانی را می‌آفریند و با عبث یافتن آن به دورش می‌افکند؛ و نادانی، که به هیئت زنی است، زنده می‌ماند و از او موجودات شب‌پدیدار می‌شوند. برهما که نتوانسته‌است چیز دیگری بی‌آفریند، در برابر این موجودات قرار می‌گیرد و آنان برهما را برای رفع گرسنگی از هم می‌درند. (ایونس ۱۳۷۳: ۴۶)

در متون ادبی و پندآموز ایرانیان باستان نیز از بی‌خردی زن و شایسته نبودن او برای رای‌زنی یاد شده‌است؛ برای نمونه، در اندرزنامه‌های پهلوی آمده‌است «زنان را خرد نیست» (جاماسب آسانا ۱۳۷۱:۱۸۰) و این مسئله نشان می‌دهد که باورهای کهن ایرانیان در نسبت دادن ویژگی‌های منفی به زن اثرگذار بوده‌است. فرهنگ هندی و ایرانی در بسیاری از موارد ریشه‌هایی همانند دارند و آمیختگی این دو فرهنگ در متون ادبی دو کشور بازتاب یافته‌است.

چون این دیدگاه‌هایی تنها مختص فرهنگ هندی و ایرانی نیست و در باور دیگر ملل نیز این مضامین به چشم می‌خورد. /ارسطو^۱ در این باره می‌گوید:

برده از آزادی اندیشه و مشورت به‌تمامی محروم است. زن این آزادی را دارد، اما به صورت ضعیف و نامؤثر. (گری ۱۳۷۷:۴۷)

بنا بر این، چون این مسائلی در فرهنگ بسیاری از ملت‌ها وجود داشته و هنوز هم در بسیاری از کشورها به صورت مشکلی فرهنگی و اجتماعی نمایان است.

نتیجه‌گیری

تصویری که از شخصیت زن در ادبیات ملل گوناگون، از جمله هندوستان، نشان داده می‌شود، بیش‌تر، تصویری منفی و ستیزه‌گرایانه است و این تصویر را، نه واقعیت صرف تاریخی، اجتماعی، و روانی، بلکه اندیشه‌ی مردسالارانه‌ی جوامع کهن شکل داده‌است؛ بنا بر این، جز در مواردی انگشت‌شمار، که نیاز به پژوهش و بررسی گسترده دارد، نباید کج‌روی‌های نسبت‌داده‌شده به زنان را در متون موردبررسی تأیید کرد و در پی یافتن علل و انگیزه‌های اجتماعی و روانی آن‌ها بود. تاریخ نشان می‌دهد زنان و مردان، هر دو، در بسیاری از جریان‌های سیاسی و دگرگونی‌های اجتماعی نقش‌آفرین بوده‌اند و هر دو در خطر سقوط و کج‌روی قرار داشته‌اند، اما چون تأثیر کج‌روی زنان، به دلیل شخصیت ذاتی آنان، بر جامعه بیش از مردان است، همیشه این مسئله پرنرنگ‌تر نشان داده می‌شود. این موضوع به جامعه یا فرهنگی خاص مربوط نمی‌شود و در همه‌ی جوامع بشری، از جمله جامعه‌ی هندوستان، آشکار است.

به گونه‌ی کلی، علل و عوامل تصویر منفی زن را، در کتب موردبررسی—که خاستگاهی هندی دارند—می‌توان موارد زیر دانست:

- زنان، حتا ایزدبانوان و الاهی‌ها، در کهن‌الگوهای جامعه‌ی سنتی هند و اساطیر هندی، که دست‌آورد ناخودآگاه جمعی قوم هند با نگاه مردسالارانه است، بیش‌تر، با ویژگی‌های منفی نشان داده‌شده‌اند. این نگاه منفی به موجودات زن آسمانی و در پی آن زمینی، بر اندیشه‌ی اجتماع هند و برداشت آنان از زن تأثیری فراوان داشته‌است.
- آمیختگی اساطیر، مذهب، و تاریخ و جدا نبودن آن‌ها در ذهن مردم هند، به این تصاویر اسطوره‌یی رنگ مذهبی بخشیده و آن‌ها را به صورت باورهای مقدس، در میان خانواده‌های هندی نهادینه کرده‌است.
- جامعه‌ی کهن و سنتی هند جامعه‌یی فقیر بوده، که آداب و رسوم سخت و شگفت‌انگیز آن هزینه‌هایی سنگین را بر دوش خانواده‌ی دختران هندی می‌گذاشته‌است؛ پس طبیعی است که نوعی حس نفرت و کین‌توزی نسبت به زن پدید آید و چهره‌یی زشت و منفی از او در ذهن جامعه نقش بندد. آنچه از شخصیت زن در متون کهن این جامعه به چشم می‌خورد، در حقیقت، بازتاب همین نگاه است.
- در نشان دادن چهره‌ی منفی زن در متون موردبررسی، سهم مترجمان این کتاب‌ها را نباید نادیده گرفت. آنان، که خود برآمده از جوامعی مردسالار، با اندیشه‌هایی نه‌چندان مثبت در باره‌ی زن اند، گاه بر نازیبا‌تر نشان دادن چهره‌ی اجتماعی زنان پافشاری کرده‌اند.
- ویژگی‌های منفی نسبت‌داده‌شده به زن در *سندبادنامه* ۷۲/۷۳ درصد، در *طوطی‌نامه* ۱۹/۶۰ درصد، در *جواهرالاسمار* ۳۱/۵۲ درصد، و در *کلیله و دمنه* ۷۹/۴۶ درصد است (جدول ۱). هم‌آن‌گونه که دیده‌می‌شود، زن‌ستیزی در *کلیله و دمنه*، نسبت به دیگر کتاب‌ها، شدتی کم‌تر دارد؛ زیرا هدف اصلی از نوشتن، برگردان، و بازنویسی این کتاب، نه سرگرمی پادشاهان و امرای زورمدار و قدرت‌مند، بلکه حکمت‌آموزی بوده‌است.
- از میان ویژگی‌های مثبت زنان و مردان، ویژگی خردمندی، از میان ویژگی‌های منفی، ویژگی فریب‌کاری، و از میان ویژگی‌های خنثا، ویژگی زیبایی، در هر چهار کتاب *کلیله و دمنه*، *سندبادنامه*، *جواهرالاسمار*، و *طوطی‌نامه* پربسامدترین ویژگی است. این نکته درجه‌ی تأثیرگذاری و کارکرد این ویژگی‌ها را در جامعه نشان می‌دهد (جدول ۲).

جدول ۱- پراکنش ویژگی‌های زنان و مردان در کلیله و دمنه، سندبادنامه، جواهرالاسمار، و طوطی‌نامه

کتاب	گروه	ویژگی‌های مثبت		ویژگی‌های منفی		ویژگی‌های خنثا		جمع
		شمار	درصد	شمار	درصد	شمار	درصد	
کلیله و دمنه	زنان	۳۹	۳۵/۷۸	۵۱	۴۶/۷۹	۱۹	۱۷/۴۳	۱۰۹
	مردان	۲۰۲	۵۷/۶۷	۱۴۴	۴۰/۹۱	۵	۱/۴۲	۳۵۲
سندبادنامه	زنان	۳۶	۱۶/۴۴	۱۶۱	۷۳/۵۲	۲۲	۱۰/۰۵	۲۱۹
	مردان	۱۳۶	۵۹/۶۵	۸۱	۳۵/۵۳	۱۱	۴/۸۲	۲۲۸
جواهرالاسمار	زنان	۱۳۵	۳۱/۲۵	۲۲۶	۵۲/۳۱	۷۱	۱۶/۴۴	۴۳۲
	مردان	۶۵۷	۵۶/۴۹	۳۹۰	۳۳/۵۳	۱۱۶	۹/۹۷	۱۱۶۳
طوطی‌نامه	زنان	۲۱	۲۰/۳۹	۶۲	۶۰/۱۹	۲۰	۱۹/۴۲	۱۰۳
	مردان	۵۹	۴۶/۴۶	۶۵	۵۱/۱۸	۳	۲/۳۶	۱۲۷
جمع	زنان	۲۳۱	۲۶/۷۷	۵۰۰	۵۷/۹۴	۱۳۲	۱۵/۳۰	۸۶۳
	مردان	۱۰۵۵	۵۶/۴۲	۶۸۰	۳۶/۳۶	۱۳۵	۷/۲۲	۱۸۷۰

جدول ۲- ویژگی‌های برتر زنان و مردان در کلیله و دمنه، سندبادنامه، جواهرالاسمار، و طوطی‌نامه

کتاب	گروه	ویژگی‌های مثبت	ویژگی‌های منفی	ویژگی‌های خنثا
کلیله و دمنه	زنان	خردمندی؛ دوراندیشی؛ مهر مادری	فریب‌کاری؛ بی‌وفایی؛ هرزگی	زیبایی
	مردان	خردمندی؛ دین‌داری؛ شهامت	فریب‌کاری؛ نادانی؛ دروغ‌گویی	زیبایی
سندبادنامه	زنان	شهامت؛ خردمندی؛ مهربانی	فریب‌کاری؛ بی‌وفایی؛ دروغ‌گویی	زیبایی
	مردان	خردمندی؛ شهامت؛ دین‌داری	نادانی؛ هرزگی؛ بازی‌چه بودن	زیبایی
جواهرالاسمار	زنان	خردمندی؛ وفاداری؛ دین‌داری	بی‌وفایی؛ فریب‌کاری؛ هرزگی	زیبایی
	مردان	خردمندی؛ دین‌داری؛ وفاداری	فریب‌کاری؛ نادانی؛ هرزگی	زیبایی
طوطی‌نامه	زنان	مهرمادری؛ خردمندی؛ مهربانی	فریب‌کاری؛ هرزگی؛ بی‌وفایی	زیبایی
	مردان	خردمندی؛ بخشندگی؛ هنرمندی	هرزگی؛ دروغ‌گویی؛ فریب‌کاری	زیبایی

منابع

- ابن‌ندیم، بی‌تا. الفهرست. قاهره، مصر: مطبعة الإستقامة.
- افراسیابی، بهرام، به‌کوشش. ۱۳۷۸. هزار و یک شب. تهران: سخن.
- انصاف‌پور، غلام‌رضا. ۱۳۴۶. قدرت و مقام زن در ادوار تاریخ. تهران: کانون کتاب.
- ایونس، ورونیکا. ۱۳۷۳. اساطیر هند. برگردان باجلان فرخی. تهران: اساطیر.
- پنکی، محبوبه. ۱۳۷۶. آ. «جامعه‌ی هند، مسائل زنان و خانواده»، بخش ۱. پیام زن (۶۱): ۴۶-۵۱.

- _____ ۱۳۷۶. ب. «جامعه‌ی هند، مسائل زنان و خانواده»، بخش ۲. پیام زن (۶۲): ۲۰-۲۹.
- _____ ۱۳۸۰. «طلاق در هندوستان»، پیام زن (۳): ۳۶-۳۹.
- ترجمه‌ی تفسیری فارسی کتاب مقدس. ۱۹۹۵. انگلستان: انجمن بین‌المللی کتاب مقدس.
- توسلی، ناهید. ۱۳۸۱. «زن و اسطوره». کتاب ماه هنر ۴۹-۵۰: ۶۰-۶۸.
- نغری، عماددین محمد. ۱۳۵۲. طوطی‌نامه و جواهرالاسمار. به اهتمام شمس آل احمد. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- جاماسب آسانا، جاماسب‌جی دستور منوچهرجی، گردآورنده. ۱۳۷۱. متون پهلوی. برگردان سعید عریان. تهران: کتابخانه‌ی ملی جمهوری اسلامی ایران.
- حجاری، بنفشه. ۱۳۷۰. زن به ظن تاریخ. تهران: شهر آب.
- حکمت، علی‌اصغر. ۱۳۳۷. سرزمین هند. تهران: دانشگاه تهران.
- حیدری، علی. ۱۳۸۴-۱۳۸۵. «سیمای زن در کلیله و دمنه‌ی نصرالله منشی». فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا ۱۵-۱۶ (۵۶-۵۷): ۵۱-۶۵.
- خانه‌ی فرهنگ جمهوری اسلامی ایران، بمبئی. ۱۳۸۱. «نقش مذهب، فرهنگ، و سنت در اجتماعی شدن دختران هند». پیام زن (۴): ۳۲-۳۶.
- داراشکوه، محمد (قادر). ۱۹۶۷. طوطی‌نامه. تهران: کتابخانه‌ی اسدی.
- دفتر پژوهش‌های فرهنگی. ۱۳۶۹. حیات اجتماعی زن در تاریخ ایران. تهران: امیرکبیر.
- دورانت، ویل. بی‌تا. تاریخ تمدن، جلد ۱: مشرق‌زمین، گاهواره‌ی تمدن. برگردان احمد آرام، عسکری پاشایی، و امیرحسین آریان‌پور؛ ویراسته‌ی محمود مصاحب. چاپ ۲. تهران: اقبال.
- دو لا فوز، کلود فرینز. ۱۳۱۶. تاریخ هند. برگردان سیدمحمدتقی فخرداعی گیلانی. تهران: کمیسیون معارف.
- دهخدا، علی‌اکبر. ۱۳۷۶. امثال و حکم. چاپ ۹. تهران: امیر کبیر.
- رازانی، ابوتواب. ۱۳۵۰. زن در دوران شاهنشاهی ایران. تهران: مدرسه‌ی عالی دختران ایران.
- راماچندران، ر. ۱۳۷۸. «انتخاب جنسیت در هند آسان‌تر می‌شود». پیام یونسکو ۳۱ (۳۵۲): ۲۹.
- رجب‌زاده، هاشم. ۱۳۶۴. چنین گفت بودا. چاپ ۲. تهران: اساطیر.
- رضایی، عبدالعظیم. ۱۳۶۸. اصل و نسب و دین‌های ایرانیان باستان. تهران: طلوع آزادی.
- رضایی باغبیدی، حسن. ۱۳۷۶. «بازتاب فرهنگ مردسالاری در زبان‌های هند و اوروپایی». نامه‌ی فرهنگستان (۱): ۸۹-۹۹.
- ستاری، جلال. ۱۳۷۵. سیمای زن در فرهنگ ایران. چاپ ۲. تهران: مرکز.
- سعیدی مدنی، سیدمحسن. ۱۳۷۸. «تأثیر فرهنگ هندوییزم بر مسلمانان هند». نامه‌ی علوم اجتماعی ۱۴: ۳۷-۵۷.
- شایگان، داریوش. ۲۵۳۶. ادیان و مکتب‌های فلسفی هند. چاپ ۲. تهران: امیر کبیر.
- شهریار، کیوان. ۱۳۷۹. زن در اساطیر ایران و بین‌النهرین. تهران: بی‌نا.

- ظهیری سمرقندی، محمدبن‌علی بز محمد. ۱۹۴۸. *سندبادنامه*. تصحیح احمد آتش. استانبول، ترکیه: وزارت فرهنگ.
- عرب گلپایگانی، عصمت. ۱۳۷۶. *اساطیر ایران باستان*. تهران: هیرمند.
- علوی، هدایت‌الله. ۱۳۷۷. *زن در ایران باستان*. تهران: هیرمند.
- کیس‌ویت، فاطمه (جین). ۱۳۸۱. «فمینیسم متجدد در پرتو مفاهیم سنتی زنانگی»، برگردان فروزان راسخی. *دانش‌نامه* ۱۱(۱): ۱۱۳-۱۴۸.
- گری، بنوات. ۱۳۷۷. *زنان از دید مردان*. برگردان محمدجعفر پوینده. تهران: جامی.
- گیرش‌من، رومن. ۱۳۷۴. *ایران از آغاز تا اسلام*. برگردان محمد معین. تهران: علمی-فرهنگی.
- لاهیجی، شهلا، و مهرانگیز کار. ۱۳۷۷. *شناخت هویت زن در گستره‌ی تاریخ و پیش از تاریخ*. چاپ ۲. تهران: روشن‌گران و مطالعات زنان.
- مطهری، مرتضا. ۱۳۵۷. *نظام حقوق زن در اسلام*. چاپ ۸. قم: صدرا.
- منشی، نصرالله. ۱۳۸۱. *کلیده و دمنه*. تصحیح مجتبی مینوی. چاپ ۲۳. تهران: امیر کبیر.
- موسوی، سیدفضل‌الله، و کتابیون رهوری. ۱۳۸۳. «بررسی تطبیقی شرایط کار زنان و نوجوانان در کشورهای ژاپن، کره‌ی جنوبی، هند، مصر، انگلستان، و ایران»، *فصل‌نامه‌ی دانشکده‌ی حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران* ۶۴: ۱۸۷-۲۱۸.
- میرفخرایی، مهشید. ۱۳۶۶. *آفرینش در ادیان*. تهران: مؤسسه‌ی مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- یافا، مانوراما. ۱۳۸۲. «از الهه تا نخست‌وزیر: تصویر زنان در ادبیات کودک هند» برگردان معصومه انصاریان. *کتاب ماه کودک و نوجوان* ۴(۷): ۱۸۸-۱۹۱.

نویسندگان

دکتر زهرا ریاحی‌زمین

دانش‌یار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز
zriahi@rose.shirazu.ac.ir

دانش‌آموخته‌ی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز، شیراز، ۱۳۷۸.
پژوهش‌های وی در زمینه‌ی متون نظم و نثر کهن فارسی و عربی، قواعد عربی، علوم قرآنی، و
تصحیح نسخ فارسی است. از وی کتاب *قواعد کاربردی زبان عربی* و بیش از ۲۵ مقاله چاپ
شده‌است.

ناهید دهقانی

دانش‌جوی دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه شیراز
dehghani850211@yahoo.com

زمینه‌ی پژوهش وی متون نظم و نثر فارسی کهن و معاصر و نقد ادبی است. تا کنون چهار
مقاله از وی چاپ شده‌است.